

مطالعه



مشاوران آموزش

ناشر تخصصی علوم انسانی
ناشر تخصصی دروس عمومی



مشاوران آموزش

مجموعه کتاب‌های تستیک تست

عربی عمومی ۱۱

مشاوران آموزش

مؤمن

۱۵۰۰ نسخه - رحلی

اول - ۱۳۹۹

۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۲۹۴-۴

۵۹۰۰۰ تومان

عنوان

ناشر

چاپخانه

شمارگان و قطع

نوبت چاپ

شابک

قیمت

سرشناسه : ۱۳۷۰
 عنوان : تستیک تست عربی عمومی ۱۱
 نام پدیدآور : مؤلف: بهروز حیدریکی؛ ویراستار علمی: مختار حسامی
 مشخصات نشر : تهران: مشاوران آموزش، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص: مصور، جدول؛ ۲۹×۲۲ س م
 فرست : مجموعه کتاب‌های تستیک
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۲۹۴-۴
 وضعیت فهرست نویسی : فپیای مختصر
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۶۰۵۴۴

آشنایی با گروه تولید کتاب
تستیک تست عربی عمومی



خانواده طراحی و چاپ

طراح جلد منصور سماواتی

طراح لی اوت آذر حیدری منش

نظارت بر چاپ عباس جعفری

صفحه آرا طرلان محمدی، یاسمین بشاری

حروف‌نگار حمیده قیصریه

خانواده تألیف

مؤلف بهروز حیدریکی

ویراستار علمی مختار حامی

ویراستاران فنی زهرا محنی، الهام رضایی

دفتر انتشارات

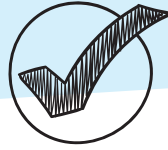
تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه
مهر، پلاک ۱۸. تلفن: ۶۶۹۵۳۲۰۵

دفتر فروش

تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

پستنگ فنار



«کتابی برای پرکاری تستی»

✓ چرا «تستیک» را آماده کردیم؟

پشت سر این مجموعه کتاب، یک ایده آموزشی وجود دارد: برخی از دانش آموزان، مطالب درسی را در مدرسه یاد می گیرند و از تست به عنوان یک ابزار یادگیری استفاده می کنند و ابتدا تست کار می کنند. این دانش آموزان، این ترتیب را در یادگیری دارند: یادگیری در مدرسه + پرکاری تستی + رفع اشکال به کمک پاسخ های تشریحی + مراجعه به درسنامه برای مرور طبیعی است که این دانش آموزان بهتر و بهتر مطالب را یاد خواهند گرفت و به نظر می رسد که نتایج درخشان تری در آزمون های چهارگزینه ای نیز بگیرند. ✓ به تست پاسخ بده، تیک بزن، برو جلو.

تستیک یعنی چه؟

«تستیک = تست + تیک»

یادگیری از طریق تست، جسارت نیز می خواهد. این یادمان باشد. جسارت می خواهد چون ممکن است از حجم تست هایی که پاسخ آن را نمی دانیم یا پاسخ تست را اشتباه زده باشیم، بترسیم و در این صورت باز برویم و فقط درسنامه بخوانیم، اما نرسید.

یادتان باشد که تکرار دوباره درسنامه به شما کمکی نمی کند و تنها باعث می شود که آرام شوید.

اما بهترین کار این است که آرام نباشید. آرامش را نباید با کارهای غلط که نتیجه ندارد به دست آورید. آرامش باید در اثر کارهای درستی باشد که منجر به نتیجه خوب می شود.

تست زدن، ایرادهای ما را رو می کند. نرسید؛ بگذارید ایرادهایتان رو شود تا بتوانید ایرادهایتان را حل کنید و با حل هر ایراد، یک قدم برای نتیجه بهتر بردارید. برویم و حمله کنیم برای به دست آوردن نتیجه ای بهتر!

انتشارات مشاوران آموزش

وحید تمنا



مقدمه

إلى من علمني حرفاً

«هل فرشت العشب ليلاً و تلحفت الفضا
زاهداً في ما سيأتي ناسياً ما قد مضى
أعطني الناي و غنّ فالغنا عدل القلوب
و أنين الناي يبقى بعد أن تفنى الذنوب
أعطني الناي و غنّ و انس داء و دواء
إتما الناس سطور كتبت لكن بماء»

بهبران فليل بهبران

«آیا شبانگاهی بر زیرانداز چمن آرمیدی که آسمان رواندازت باشد
فارغ از اندیشه آینده و از یاد برده گذشته
(آن)نی را پیش آر و نوایی ساز کن که نوا، قراربخش دل هاست
بانگ نی ماندگار است پس از آنکه چیزی از گناهان نماند
(آن)نی را پیش آر و نوایی ساز کن و دردها و دواها را از یاد ببر
که مردمان سطرهای آن کتیبه‌اند که با آب نگاشته شده»

زبانه کتاب

ساختار کتابمان اینگونه است:

۱. «درسنامه»: با قلمی روان و صمیمی تمام آنچه که دانش‌آموز برای امتحانات تشریحی باید بداند، نوشته شده و از خیر هیچ نکته‌ای نگذشتیم. شما هم نگذردید! ابتدا قواعد را برایتان با مثال‌های ساده توضیح دادم و سعی کردم برای جا افتادن هرچه بیشتر مطالب، لابه‌لای درسنامه، نمونه تستی بگذارم. دو تیتیر «ریزه‌کاری‌ها» و «تیزشیم» به شما کمک می‌کنند تا با داشتن دیدی وسیع‌تر، به راحتی از پس دشوارترین سؤالات بر بیایید.
در بخش ترجمه، نکات ترجمه مربوط به قواعد درس و نکات ترجمه متن درس و تمرین‌ها را قرار دادم و جملات مهم‌تر کتاب را برایتان به صورت تمرین آوردم. واژه‌نامه، مترادف و متضاد، جمع مکتور و متشابهات در این بخش چشم انتظار شما هستند. دو بخش مکالمه و مفهوم، حسن ختام درسنامه‌مان هستند.
۲. «تست»: تست‌هایمان از نظر درجه دشواری به سه دسته «عامه‌پسند»، «طبقه متوسط» و «باشگاه مبارزه» تقسیم شده‌اند. این چینش و دسته‌بندی، تأثیر مهمی در روند یادگیری‌تان خواهد داشت. هر تستمان، یک هدف آموزشی و سنجشی را دنبال می‌کند. خیالتان راحت باشد که از تمام مباحث «واژگان، ترجمه، تعریب، مفهوم، ضبط حرکات الکلمات، قواعد، درک مطلب» برایتان تست آورده‌ام.
۳. «پاسخنامه»: بدون اغراق پاسخنامه کتابمان، در حد و اندازه‌های یک درسنامه است. مو به مو و خط به خط بخوانیدش تا راه و روش تست‌زنی را یاد بگیرید.
برای نوشتن این کتاب، هیچ ادعایی ندارم. در این راه دوستان و همکاران زیادی من را همراهی کرده‌اند. ممنونم از: «احمد خداداد» عزیز که طرح و ایده کتاب‌های تستیک مدیون اوست و قلم و خلاقیت من، ممنون او، «سها سلیمان‌زاده» که با صبوری خودش، به کار من نظم و ترتیب داد و روند اجرایی کتاب را به خوبی پیش برد، «طهران محمدی» که در کنار کمک‌هایش، کتابمان را به مهارت و ظرافت آراست، «یاسمین بگلری» که در صفحه‌آرایی کتاب بسیار به ما کمک کرد، «پرن رنجبر موسوی» در حروف‌نگاری کتاب همراهمان بود، «مختار حسامی» که در ویرایش علمی به من کمک کرد، و «زهرا محسنی» و «الهام رضایی» که در بخش ویرایش فنی کمک‌حالمان بودند و البته «وحید تمنا» که دورادور هوایم را داشت.
دانش‌آموزان و دبیران عزیز برای ارتباط با بنده با آیدی @Behrooz_heydarbaki در ارتباط باشید.

قربان همگی

مهرست



- الدرس الأول ٦
من آيات الأخلاق + إسم التفضيل و اسم المكان + جواز في سوق مشهد
- الدرس الثاني ٢٢
في مخضر المعلم + أسلوب الشرط و أدواته
- الدرس الثالث ٣٧
عجائب الأشجار + المعرفة و التكررة + جواز في الملعب الرياضي
- الدرس الرابع ٥١
آداب الكلام + الجملة بعد التكررة
- الدرس الخامس ٦٤
الكذب مفتاح لكل شر + ترجمة الفعل المضارع (١) + جواز في الصيدليه
- الدرس السادس ٧٤
آه ماري شميل + ترجمة الفعل المضارع (٢)
- الدرس السابع ٩٢
تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية + معاني الأفعال الناقصة + جواز مع الطبيب
- بشت صحنه ١٠٨

الدَّرُّ السَّادِرُ

أَنَّهُ مَارِي شِيمِلْ

قواعد

در درس قبل با حروف ناصبه و تأثیرشان بر ظاهر و معنای فعل مضارع آشنا شدید. در این درس می‌رویم سراغ یک سری حروف دیگر که آن‌ها هم بر ظاهر و البته معنای فعل مضارع تأثیر مهمی دارند.

نقشه راه

در این درس می‌فواهیم:

۱. بدانیم که به چه حروفی «حروف جازمه» می‌گویند.
۲. بدانیم که حروف جازمه بر ظاهر و معنای فعل مضارع چه تأثیری می‌گذارند.
۳. با انواع «لا» در زبان عربی آشنا شویم.
۴. انواع «لِ» را در زبان عربی یاد بگیریم.
۵. فرق «لَمْ» و «لَمْ» را بفهمیم و در عبارات‌ها تشخیصشان دهیم.

معرفی حروف جازمه

به مثال‌های زیر دقت کنید:

لَمْ أَسْمَعْ مِنْ هُنَاكَ صَوْتًا عَجِيبًا: از آنجا صدای عجیبی نشنیدم.

المؤمنون لا يأسوا عند المشاكل: مؤمنان هنگام مشکلات نباید ناامید شوند.

ليستمعا إلى الكلام الحق: باید به سخن حق گوش فرا دهند.

به حروف «لَمْ، لا (نهی)، لِ (امر)» در زبان عربی «حروف جازمه» می‌گوییم. با چشم غیرمسلح هم می‌توان دید که این حروف تأثیراتی را روی ظاهر و معنای فعل مضارع می‌گذارند. الآن تک‌تک بررسی‌شان می‌کنم تا مطلب کاملاً برایتان جا بیفتد.

لَمْ

یادتان هست فعل ماضی را چگونه منفی می‌کردیم؟!

«ما + ماضی: ماضی منفی»

ما سمعنا: نشنیدیم

سمعنا: شنیدیم

یک راه دیگر برای رسیدن به فعل ماضی منفی داریم. کافی است از «لَمْ + مضارع» استفاده کنیم:

لَمْ نَسْمَعْ: می‌شنویم (نشنیدیم)

نَسْمَعُ: می‌شنویم

پس از نظر معنایی می‌توانیم بگوییم:

ما + ماضی = لَمْ + مضارع

* حالا باید ببینیم «لَمْ» چه تأثیری بر ظاهر فعل مضارع دارد؟! مثال ببینید:

لَمْ يَطْلُم: ستم نکرد، ستم نکرده است

يَطْلُم: ستم می‌کند

لَمْ تَتْرَكِي: رها نکردی، رها نکرده‌ای

تَتْرَكِينَ: رها می‌کنی

لَمْ تَقْرَأْ: نخواندید، نخوانده‌اید

تَقْرَأُ: می‌خوانید

پس «لَمْ» این بلا را سر فعل مضارع می‌آورد: حذف «ن»

به‌جز جمع مؤنث

التمرین

(ب) نتوانستیم

(الف) نمی‌توانیم

۱. «لَمْ نَقْدِرْ» إنتخب الترجمة الصحيحة:

(ب) لَمْ يتعادلان

(الف) حتى نُجَلِس

۲. إنتخب الصحيح:

يا شيخ: ۱. نتوانستیم / ۲. حتى نُجَلِس



دیدید که «لَمْ + مضارع» را می‌توانیم به دو صورت «ماضی ساده منفی» و «ماضی نقلی منفی» ترجمه کنیم:

لم یکتبوا: نوشتند، نوشتند، نوشتند

* یادآوری می‌کنم که «قد + ماضی: ماضی نقلی»!

ما در عربی «لَمْ: چرا» هم داریم. این کلمه مخفف «لماذا» است. باید حواسمان را جمع کنیم که «لَمْ» و «لَمْ» را اشتباه نگیریم. اگر حرکت‌گذاری کرده باشند که خب داستان خیلی ساده است اما حرکت‌گذاری نکرده باشند چی؟

* راه تشخیصشان از هم:

الف) «لَمْ» صرفاً با فعل مضارع می‌آید اما «لَمْ» با فعل مضارع، فعل ماضی و اسم هم همراه می‌شود:

لَمْ أتعَلَّمْ: نیاموختم، نیاموختم

فعل مضارع

لَمْ ترجعْ إلى البيت قريباً؟! چرا زود به خانه برمی‌گردی؟

فعل مضارع

لَمْ حزنْتُ من كلامي؟! چرا از حرفم ناراحت شدی؟

فعل ماضی

لَمْ أنت مسرور؟! چرا تو خوشحالی؟

اسم

ب) طبیعتاً اگر آخر عبارت علامت سؤال باشد، «لَمْ» داریم. در تست‌ها از این بچه‌بازی‌ها در نمی‌آورند!
ج) «لَمْ» ظاهر فعل مضارع را تغییر می‌دهد ولی «لَمْ» کاری با این کارها ندارد؛ پس اگر بعد از «لم» فعل مضارع تغییر یافته دیدید، شک نکنید که با «لَمْ» طرفید: لم یُنشِدوا ← «ن» فعل مضارع حذف شده؛ پس «لَمْ» داریم. ← نسرودند، نسروده‌اند
د) اگر بعد از «لم» ادات نفی دیدید، قطعاً «لَمْ» دارید. چرا؟! خود «لَمْ» ادات نفی است! چطور می‌شود بعدش دوباره ادات نفی داشته باشیم؟! مثال ببینید: لم لا تصدقون هذا الخبر!
«لا تصدقون: باور نمی‌کنید» فعل مضارع منفی و «لا» حرف نفی مضارع است؛ پس ابتدای عبارت «لَمْ» داریم: چرا این خبر را باور نمی‌کنید؟



عَيْنُ الْخَطَا عَنْ الْفِعْلِ الْمَضَارِعِ:

۱) لكي تجدوا ۲) لَمْ تَخَافُونَ ۳) حَتَّى تَقْتَرِبَ ۴) لَمْ نَسْتَعْمِدْ

پاسخ صحیح: بررسی گزینه‌ها: گزینه ۱: «لكي» (لِ + كَيْ) جزء ادات ناصبه است و به درستی «ن» آخر فعل مضارع را حذف کرده: لكي تجدوا: تا بیابید / گزینه ۲: «لَمْ» داریم که تغییری در ظاهر فعل مضارع بعدش ایجاد نمی‌کند: لَمْ تَخَافُونَ: چرا می‌ترسید؟! / گزینه ۳: «حتى» باعث شده «ت» آخر فعل به «ت» تبدیل شود: حتى تقترب: تا نزدیک شویم / گزینه ۴: «لَمْ»، ضمه «ه» آخر فعل مضارع را به ساکن «ه» تبدیل می‌کند: لَمْ نَسْتَعْمِدْ: به‌کار نگرفتیم، به‌کار نگرفته‌ایم. بنابراین گزینه ۴ پاسخ تست است.

نمونه تستی



عَيْنُ «لَمْ» تَدَلُّ عَلَى الْاسْتِفْهَامِ:

۱) مواعد الامتحانات قريبة فلم لا تقرئين دروسك! ۲) صديقي لم يسافر إلى غرب آسيا حتى الآن!

۳) إن لم تنتخب هذا الطريق تفشل! ۴) هؤلاء طالبات نشيطات لم يتكاملن في الأمور!
پاسخ صحیح: سؤال گفته که «لم» ای را پیدا کن که بر استفهام دلالت می‌کند؛ یعنی «لَمْ»!
بررسی گزینه‌ها: گزینه ۱: «لم لا تقرئين»! گفتیم که اگر بعد از «لم» ادات نفی دیدید، بی‌برو و برگرد با «لَمْ» طرفید ← لَمْ لا تقرئين: چرا نمی‌خوانی؟ / گزینه ۲: «دوستم تاکنون به غرب آسیا سفر نکرده است.» از ظواهر و شواهد پیداست که «لَمْ» داریم. / گزینه ۳: یک‌سری چیزها را باید در تست یادتان بدهم! بعد از «إن» شرطیه هم قطعاً «لَمْ» داریم: «اگر این راه را انتخاب نکنی، شکست می‌خوری»
«لَمْ تنتخب» باید به صورت ماضی منفی ترجمه شود اما چون در اسلوب شرط به‌کار رفته، مضارع منفی ترجمه‌اش کردیم. / گزینه ۴: «معنا أقاجان، معنا: «اینان دانش‌آموزانی فعال هستند که در کارها کوتاهی نکرده‌اند.» «لَمْ» داریم پس! بنابراین گزینه ۱ پاسخ تستمان است.

نمونه تستی

«لا» نهي

قبلاً با فعل نهي مخاطب آشنا شدید:

تَكْذِبْ: دروغ می‌گویی
تَدْهَبان: می‌روید
تُعَلِّقن: می‌بندید
لا تَكْذِبْ: دروغ نگو
لا تَدْهَبان: نروید
لا تُعَلِّقن: نبنديد

فعل های نهی غایب و متکلم هم، همین مدلی ساخته می شوند؛ اولشان «لا» می آوریم و آخرشان را این مدلی تغییر می دهیم: **حذف «ن»** به جز جمع مؤنث

مثال أَصَدِّقْ: باور می کنم
يَأْمُرَانِ: دستور می دهند
لَا أُصَدِّقُ: نباید باور کنم
لَا يَأْمُرَانِ: نباید دستور دهند
لَا يُشَجِّعُنَ: تشویق می کنند
لَا يُشَجِّعُنَ: نباید تشویق کنند

ریزه کاری های

«لا» نهی

همان طور که می بینید در ترجمه فعل های نهی غایب و متکلم از لفظ «نبايد» استفاده می کنیم. (و حواستان باشد که ما حق نداریم در ترجمه فعل نهی مخاطب از «نبايد» استفاده کنیم.)

به «لا» یی که در ساختن فعل نهی از آن استفاده می کنیم «لا» نهی یا «لا» ناهیه می گوئیم.

التمرین

- عین الفعل النهي من «سافر»:
 - «لا يَجْمَعُ» عین الترجمة الصحيحة:
- پاسخ: ۱. لا يُسَافِرُ / ۲. نباید جمع کنند
- الف) لم يُسَافِرْ □ الف) نباید جمع کنند
□ ب) لا يُسَافِرُ □ ب) جمع نمی کنند

در عربی با انواع مختلفی از «لا» سروکار داریم که باید خوب بشناسیمشان!

انواع «لا»

«لا» در جواب «هَلْ»:

در جواب «هَلْ: آیا» گاهی از «لا: نه» استفاده می کنیم:
هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى السَّفَرِ؟ لا! آیا به سفر رفتی؟! نه!

«لا» نفی فعل مضارع:

برای منفی کردن فعل مضارع به کار می رود:

تَنْظُرِينَ: می بینی
لَا تَنْظُرِينَ: نمی بینی
نَسْتَطِيعُ: می توانیم
لَا نَسْتَطِيعُ: نمی توانیم
تُرْسِلُنَ: می فرستید
لَا تُرْسِلُنَ: نمی فرستید

ظاهر من الشمس است که «لا» نفی در ظاهر فعل مضارع تغییری به وجود نمی آورد و صرفاً منفی اش می کند.

«لا» نهی: در این درس با هم آشنا شدید، معنای فعل مضارع را به نهی تبدیل می کند و باعث تغییرات ظاهری در آن می شود:

تَنْدِمَانِ: پشیمان می شوند
لَا تَنْدِمَانِ: نباید پشیمان شوند
تَقُولُونَ: می گوئید
لَا تَقُولُوا: نگویید
يَضَعْنَ: قرار می دهند
لَا يَضَعْنَ: نباید قرار دهند

دوستان خوبم حتماً متوجه شده اید که:

- «لا» نفی صرفاً معنای مضارع را عوض می کند و کاری به ظاهرش ندارد.
- «لا» نهی علاوه بر تغییر در معنای فعل مضارع، ظاهرش را هم دستخوش تغییر قرار می دهد.
- «لا» صرفاً به معنای «نه» (قبلاً اسمش «لا» عطف بود):
هو مدير لا مدرّس: او مدیر است نه معلّم.

«لا» به معنای «هیچ ... نیست»^۱

بعد از این نوع «لا»، یک اسم بدون «ال» و نکره و همراه «فتحه» می آید:

لا جهاد كجهاد النفس: هیچ جهادی مانند جهاد با نفس نیست.

عین «لا» الناهية:

۱) الآباء و الأمهات حضروا في الجلسة لا التلاميذ!

۳) علينا أن لا نعتد على شخص لا نعرفه!

۲) قال إتي أعلم ما لا تعلمون فاتبعوني!
۴) إتهما لا يستشيرا الكذاب فهو يبعد عليهما القريب!

پاسخ: گزینه ها را بررسی کنیم: گزینه «۱»: «لا» نهی با فعل مضارع می آید. اینجا بعد از «لا»، اسم داریم: «پدران و مادران در جلسه حاضر شدند نه دانش آموزان.» / گزینه «۲»: هم از معنا می فهمیم که فعل مضارع منفی داریم: «گفت من می دانم آنچه را که شما نمی دانید؛ پس از من تبعیت کنید.» هم اینکه ظاهر فعل مضارع تغییری نکرده! / گزینه «۳»: ترجمه کنیم اول: «ما باید اعتماد نکنیم بر کسی که او را نمی شناسیم.» یادتان باشد قبل از فعل نهی، حروف ناصبه نمی آید و فعل نهی، نمی تواند جمله وصفیه شود.

حواستان باشد «باید» از «علی» (در «علینا») آمده. نهی از اعتماد نکردن در عبارت داریم اما مستقیماً فعل نهی نیامده!

گزینه «۴»: «آن دو نباید با بسیار دروغگو مشورت کنند؛ زیرا او، نزدیک را بر آن ها دور می کند.»

علاوه بر معنا، ظاهر فعل مضارع (حذف «ن») دارد داد می زند که فعل نهی داریم.

بنابراین گزینه «۴» پاسخ تستمان است.

نمونه تستی

۱. که به آن «لا» نفی جنس می گوئیم. در سال دوازدهم بیشتر با این نوع «لا» آشنا می شوید.



لام امر

تعریف فعل امر چی بود؟!

«فعلی که با آن به انجام کاری دستور می‌دهیم.»

یکی دو سال پیش با فعل امر مخاطب آشنا شدید:

الف) حرف مضارعه را حذف می‌کردیم.

ب) آخر فعل مضارع را این مدلی تغییر می‌دادیم: حذف «ن»

به جز جمع مؤنث

ج) اگر ابتدای فعل متحرک بود که خب فعل امر در چنگ ماست، اگر ساکن بود یک همزه به اول فعل اضافه می‌کردیم و با توجه به حرکت عین‌الفعل، حرکت

همزه (هـ) را حذف می‌کردیم: (أ، ا، ؤ) را مشخص می‌کردیم:

تَكْتُبُ: می‌نویسی أَكْتُبُ: بنویس

تُسَبِّحُ: تشویق می‌کنی سَبَّحْتُ: تشویق کن

تَجْلِسُ: می‌نشینید اجْلَسْ: بنشینید

* حالا برویم سراغ فعل‌های امر غایب و متکلم! برای این کار از «لِ» جازمه کمک می‌گیریم:

اول فعل مضارع «لِ» می‌آوریم و آخرش را به همان شیوه تغییر می‌دهیم: حذف «ن»

مثال ببینید:

يُفْتَحُ: باز می‌کند لِيُفْتَحْ: باید باز کند

أَذْهَبُ: می‌روم لِأَذْهَبْ: باید بروم

يُنْجِحَانِ: موفق می‌شوند لِيُنْجِحَا: باید موفق شوند

يُشَاهِدُنَ: می‌بینند لِيشَاهِدُنْ: باید ببینند

التمرین

(ب) تا نجات دهد

(ب) اِقبلي

الف) باید نجات دهد

الف) لِيَقْبَلِي

۱. عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ «لِيُنْقِذَ»:

۲. عَيْنُ الأَمْرِ مِنْ «تَقْبَلِينَ»:

پاسخ: ۱. باید نجات دهد / ۲. اِقبلي

انواع «لِ»

شما با سه نوع «لِ» سر و کار دارید:

۱. «لِ» جازمه: همان «لِ» ای که حرف جرّ بود و سال دهم با آن آشنا شدید. بعدش حتماً اسم می‌آید و در معناهای «برای، از آن، دارد، به سود، به» به کار می‌رود:

تناول هذه الأدوية للوقاية من الزكام: برای پیشگیری از سرماخوردگی این داروها را بخور.

لأحمد قطّ مليح: احمد، گربه‌ای بانمک دارد.

ریزه‌کاری‌های

لام جازه

قبلاً گفته بودیم که «لِ» در همراهی با اسم «ال» دار باعث می‌شود همزه اسم بعدش ناپدید شود. همان «لِلوَقَايَةِ» را ببینید: للوقاية (لِ + الوقاية)

۲. از قبل می‌دانستید که به ترکیب «لِ + اسم» جار و مجرور می‌گوییم. اسم بعد از حروف جرّ با علامت‌های «بِ، بِ، يَنْ، مِنْ» می‌آید.

ظاهر برخی کلمات (اگر حرکت‌گذاری نشوند)، هم به اسم می‌خورند هم به فعل. با توجه به معنا باید این موضوع را تشخیص دهیم. طبیعتاً با تشخیص

آن‌ها، نوع «لِ» قبلشان هم مشخص می‌شود:

لِتَقْدَمَ ملحوظ في أمورك حاولي: برای پیشرفتی چشمگیر در کارهایت، تلاش کن.

«تقدّم» می‌تواند فعل (تَقَدَّمَ) یا اسم (تَقَدَّمَ) باشد. با توجه به معنا، در این عبارت اسم است و خب طبیعتاً «لِ» قبلش هم از نوع جازه می‌باشد.

التمرین

(ب) للإنسان

(ب) للمؤمنين

الف) لِيَتَصَلِي

الف) للمؤمنون

۱. عَيْنُ «اللام الجازة»:

۲. عَيْنُ الصَّحِيح:

پاسخ: ۱. للإنسان / ۲. للمؤمنين

حذف «ن»

به جز جمع مؤنث

می‌دهد و ظاهر فعل مضارع را این مدلی عوض می‌کند:

رجعت إلى المنزل لِأَسَاعِدَ أُمِّي: به خانه برگشتم تا به مادرم کمک کنم.



س «ل» جازمه: که به آن «لام امر» هم می‌گوییم، بعدش حتماً فعل مضارع می‌آید و معنای «باید» می‌دهد: **لنعمد علی قدراتنا فی کلّ أمر: در هر کاری باید بر توانایی‌هایمان تکیه کنیم.**

التمرین

۱. عین الترجمة الصحيحة «للتعلم»: □ الف برای یادگیری □ ب برای اینکه یاد بگیری
۲. عین الترجمة الصحيحة «لنهدتی»: □ الف تا هدایت کنیم □ ب برای اینکه هدایت شویم
- پاسخ: ۱. برای یادگیری / ۲. برای اینکه هدایت شویم

تیزشیم



باید تفاوت بین «ل» ناصبه و «ل» جازمه را خوب یاد بگیرید:
«ل» ناصبه با همه صیغه‌ها به‌کار می‌رود و «ل» جازمه فقط با صیغه‌های غایب و متکلم سروکارش پیدا می‌شود. چرا؟! چون «ل» جازمه امر می‌سازد و برای ساختن امر مخاطب، نیازی به «ل» نداریم:

لنستمی ← تا گوش فرابدهی
چون «ل» با صیغه مخاطب (مفرد مؤنث مخاطب) به‌کار رفته، قطعاً از نوع ناصبه است. (اشتمعی: گوش فرابده)
«ل» ناصبه معنای «تا، برای اینکه» می‌دهد و «ل» جازمه را «باید» ترجمه می‌کنیم:

لنحاول: تا (برای اینکه) تلاش کنیم
لنحاول: باید تلاش کنیم
«ل» ناصبه ظاهر فعل مضارع را این مدلی عوض می‌کند: حذف «ن» به‌جز جمع مؤنث
«ل» جازمه تغییراتش این مدلی است: حذف «ن» به‌جز جمع مؤنث

می‌بینید که فرقیان فقط در صیغه‌هایی است که به «ت» ختم می‌شوند. این هم یک راهش است که از هم تشخیصشان دهیم. البته اگر علامت آخر را بگذارند!
«ل» ناصبه برای بیان علت به‌کار می‌رود:
نُسافرُ بالطائرة لنصل أسرع: با هواپیما سفر می‌کنیم تا (برای اینکه) سریع‌تر برسیم.

عین «اللام» يختلف:



- ۱) ليعلم كل واحد منا أن الغضب مفسدة!
۲) لأسترجع أمانتي ذهبت إلى دكان العطار!
۳) لتقولوا الحق جالسوا الأفضل!
۴) عليك بالإخلاص في عملك لتتقربني إلى الله!

پاسخ: گزینه‌ها را بررسی کنیم: گزینه «۱»: «هریک از ما باید بداند که عصبانیت، مایه تباهی است.» ترجمه به ما می‌گوید که «ل» امر داریم. / گزینه «۲»: «برای اینکه امانت‌م را پس بگیرم، به مغازه عطار رفتم.» ترجمه آقا، ترجمه! / گزینه «۳»: بدون ترجمه هم می‌شود گفت که «ل» ناصبه داریم؛ چون با فعل مخاطب همراه شده. ترجمه کنیم تا دلمان قرص شود: «برای اینکه حق را بگویید، با شایستگان هم‌نشینی کنید.» دلتان قرص شد؟! / گزینه «۴»: خیالتان راحت، دوباره «ل» ناصبه داریم. «تقربنی» فعل مخاطب است: «در کارت بر تو اخلاص واجب است تا به خداوند نزدیک شوی.» بنابراین گزینه «۱» پاسخ تست است.

دو نکته

۱) اگر قبل از «ل» امر، حروف «و» و «ف» بیایند، «ل» ساکن نوشته و خوانده می‌شود:
و + لتجتهد و لتجتهد: و باید تلاش کنیم
ف + لیذهبوا فلیذهبوا: پس باید بروند
* آقا جان، کلاً هر وقت دیدید، قبل از «ل» که همراه فعل شده، «و» و «ف» آمده، قطعاً با نوع جازمه آن طرفید.
۲) صیغه‌هایی که شناسه (ضمیر بارز) ندارند، اگر با «ل» همراه شوند و بعدشان اسم «ال» دار بیاید، آخرشان به‌جای ساکن، کسره می‌گیرد. این کار برای راحتی در تلفظ است. ببینید:

لنساعد المظلومين في حياتنا: در زندگی‌مان باید به ستم‌دیدگان کمک کنیم.

«ل» جازمه داریم. فعل «نساعد» هم ضمیر بارز ندارد. بعدش هم اسم «ال» دار آمده. همه‌چیز مهیاست که آخر «نساعد» به‌جای ساکن، کسره داشته باشیم.

* نتیجه اخلاقی‌اش این است که اگر آخر فعل مضارع، کسره دیدید، چشمانتان را تیز کنید و دنبال ادات جازمه بگردید.

دکر * * * ادات جازمه: «إن، من، ما» شرطیه، «لا، نهی، لم» و «ل» امر. مورد «۲» با هر کدام از ادات جازمه ممکن است اتفاق بیفتد.



عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ (حَسَبِ الْقَوَاعِدِ):

(۱) لِكَيْلَا أَفْضَلَ! برای اینکه شکست نخورم!

(۳) لِتُحْسِنِي إِلَى النَّاسِ! باید به مردم نیکی کنی!

پاسخ: بررسی گزینه‌ها، کار همیشگی‌مان: گزینه «۱»: لِكَيْلَا لکي + لا

فعل مضارع بعد از «لِكَيْلَا» به صورت مضارع التزامی منفی ترجمه می‌شود. ✓

گزینه «۲»: آخر «نجد»، کسر گرفته! چون «السعادة» هم «ال» دارد، پس قطعاً «لِ» جازمه داریم. باید خوشبختی را پیدا کنیم.

گزینه «۳»: «تُحْسِنِي» فعل مخاطب است. «لِ» همراه فعل‌های مخاطب، قطعاً ناصبه است. لِتُحْسِنِي: تا نیکی کنی

گزینه «۴»: «لَا» باعث شده «ن» فعل حذف شود؛ پس «لَا» نهی داریم. نباید بگویند

بنابراین گزینه «۱» پاسخ تستمان است.

نمونه تستی

تیزشیم



سوالات قواعد نظام جدید به سمت ترجمه رفته‌اند و شما با صورت سؤال‌های جدید روبرو خواهید شد. یکی از مواردی که خوراک طراحان سؤال شده، زمان و نوع ترجمه فعل‌ها است. الآن با مضارع التزامی کار داریم.

در حد آموخته‌هایتان تا الآن چند جا فعل را به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم:

فعل شرط (ماضی یا مضارع):

فعل شرط اگر مضارع باشد، قطعاً به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. فعل ماضی را هم که می‌دانید، می‌توانیم در اسلوب شرط ماضی یا مضارع ترجمه کنیم. اگر بنامان این باشد که فعل ماضی را در اسلوب شرط، مضارع ترجمه کنیم، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

إِنْ تَنْفَقَا مِنْ أَمْوَالِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ يَعْزِمُ: اگر از اموالتان در راه خدا انفاق کنید، او آن را می‌داند.

فعل شرط

إِذَا مَلَكَ الْأَرْدَالُ أَرْبَابَهُ: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.

فعل شرط

بعد از حروف ناصبه «أَنْ، حَتَّى، لَمْ، كَيْ، لِكَيْ»:

أَنْ يَفْتَخِرَ: که افتخار کند حَتَّى تَأْمُرَنَ: تا دستور بدهید كَيْ تَصْبِرِي: تا صبر کنی

جمله وصفیه مضارع که قبلش در عبارت یا فعل نداشته باشیم یا فعل مضارع داشته باشیم:

أَفْتَشِ عَنْ مَعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ: به دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که در فهمیدن متن‌ها به من کمک کند.

فعل مضارع جمله وصفیه

فعل‌های امر و نهی غایب و متکلم:

در حقیقت این مدلی است:

فعل امر غایب و متکلم: باید + مضارع التزامی

فعل نهی غایب و متکلم: نباید + مضارع التزامی

لا أتكاسلُ: نباید تنبلی کنم

لنلتفتُ: باید توجه کنیم

عَيْنِ مَا فِيهِ فِعْلٌ يَعَادِلُ الْمَضَارِعَ الْإِلْتِمَازِيَّةَ الْفَارِسِيَّةَ:

(۱) إِنْ مَا يَزِينُكَ فِي الْحَيَاةِ هُوَ الصَّبْرُ!

(۳) هُوَلَاءَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَتَوَكَّلُوا عَلَى رَبِّهِمُ الْعَظِيمِ!

پاسخ: بررسی گزینه‌ها: گزینه «۱»: از قصد علامت «إِنْ» را نداشتیم. اینجا «إِنْ» داریم؛ چون بعدش اسم «ما» آمده! بعد از «إِنْ» شرطیه

بلافاصله فعل می‌آید. فعل «يَزِينُ» دلیلی ندارد به صورت التزامی ترجمه شود: «بی‌گمان چیزی که در زندگی تو را زینت می‌دهد، بردباری است.» /

گزینه «۲»: «لَنْ + مضارع»: مستقبل منفی / گزینه «۳»: «إِنْ» این مؤمنان باید بر پروردگار بزرگشان توکل کنند.

طبق معنا، فعل امر غایب داریم که فرمولش «باید + مضارع التزامی» است. / گزینه «۴»: در این گزینه کلاً یک فعل ماضی داریم که به همان

صورت ماضی هم ترجمه می‌شود رفوعاً: برافراشته‌اند.

بنابراین گزینه «۳» پاسخ این تست است.

نمونه تستی



تجزیه

الف) تکانه مربوط به قواعد درس:

۱) لَمْ + مضارع: ماضی منفی (ساده یا نقلی)

يُشَاهِدُ: نمی بیند
لَمْ يَشَاهِدْ: ندید، ندیده است
يَتَكَلَّمُونَ: سخن می گویند
لَمْ يَتَكَلَّمُوا: سخن نگفتند، سخن نگفته اند
۲) «لا» نهی:

الف) در ترجمه فعل نهی مخاطب از «نباید» استفاده نمی کنیم:

دستور نده ✓
نباید دستور بدهی ✗

لا تأمُر

ب) در ترجمه فعل نهی غایب و متکلم از «نباید» استفاده می کنیم:

أَسْمَعُ: می شنوم
لا أَسْمَعُ: نباید بشنوم
يَكْذِبَانِ: دروغ می گویند
لا يَكْذِبَانِ: نباید دروغ بگویند

پس:

«لا» نهی + فعل غایب یا متکلم: نباید + مضارع التزامی

۳) «لِ» امر:

فقط با صیغه های غایب و متکلم می آید و در ترجمه اش از «باید» کمک می گیریم:
يَصْدُقُ: راست می گویند
لِيَصْدُقْ: باید راست بگویند
تَنْفَعُ: سود می رسانیم
لِتَنْفَعْ: باید سود برسانیم

پس:

«لِ» امر + فعل مضارع: باید + مضارع التزامی

* حواستان باشد که در ترجمه فعل امر مخاطب از لفظ «باید» استفاده نمی کنیم:

برو ✓
باید بروی ✗

إِذْهَبِي

التمرین

۱. «لَمْ تُعَارِضُونَ» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ: الف) چرا مخالفت می کنید ب) مخالفت نکردید
 ۲. «لِأَسَاعِدَ» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ: الف) تا کمک کنم ب) باید کمک کنم
- پاسخ: ۱. چرا مخالفت می کنید / ۲. باید کمک کنم

«لَا تُحَرِّمِ التَّعَمُّرَ الإِلَهِيَّةَ عَلَى أَنْفُسِنَا فَنَسْتَفِيدَ مِنْهَا لِلْوَصُولِ إِلَى الْكَمَالِ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) نعمت خداوندی را بر خود حرام نمی کنیم و از آن برای رسیدن به کمال بهره می بریم!
 - ۲) نباید نعمت های الهی را بر خود حرام کنیم، پس از آن ها برای رسیدن به کمال استفاده می نماییم!
 - ۳) نعمت های الهی را بر خودمان حرام نکرده ایم و از آن ها استفاده می کنیم تا به کمال برسیم!
 - ۴) نعمت های خداوندی را خودمان نباید حرام کنیم و باید برای رسیدن به کمال از آن ها بهره ببریم!
- پاسخ: «لَا تُحَرِّمِ»: نباید حرام کنیم» فعل نهی است. چون بعدش اسم «ال» دار آمده، آخرش به جای ساکن، کسره گرفته (رد گزینده های «۱» و «۳»)، «التَّعَمُّرُ»: نعمت ها» جمع است (رد گزینده «۱»)، «عَلَى أَنْفُسِنَا»: بر خود» (رد گزینده «۴»)، «نَسْتَفِيدُ»: استفاده می کنیم، بهره می بریم» فعل امر نیست (رد گزینده «۴») و «الْوَصُولُ»: رسیدن» اسم است نه فعل (رد گزینده «۳») با همه این تفاسیر گزینده «۲» پاسخ تست است.

نمونه تستی

ب) تکانه ترجمه ماضی در و تمرینها:

۱) «يَعُدُّ»: به شمار می آید» مجهول «يَعُدُّ»: به شمار می آورد» در ترجمه خیلی اهمیت دارد.
۲) هرجا می رویم، سروکله ماضی استمراری پیدا می شود:

«كان + مضارع: ماضی استمراری»





واژه‌نامه

عَدَّ: به‌شمار آورد، شمرد (عَدَّ، يَعُدُّ)	أَمَّنَ: ایمن کرد، ایمان آورد (أَمَّنَ، يُؤَمِّنُ)
صَمَدٌ: بی‌نیاز	أُرْدِيَّةٌ: زبان اردو
فَخْرِيَّةٌ: افتخاری	أُسْلَمٌ: اسلام آورد (أُسْلِمَ، يُسْلِمُ)
فَرَنْسِيَّةٌ: فرانسوی	أَشَارَ: اشاره کرد (أَشَارَ، يُشِيرُ)
قَارِبٌ: نزدیک شد (قَارَبَ، يُقَارِبُ)	أَلْقَى: انداخت (أَلْقَى، يُلْقِي) كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضِرَاتٍ: سخنرانی می‌کرد
مَا يُقَارِبُ: نزدیک به	إِنْجِلِيزِيَّةٌ: انگلیسی
كُفُوًا: هم‌تا	أَنْقَرًا: آنکارا
مَدَّ: کشید، گسترش داد (مَدَّ، يَمُدُّ)	أَوْصَى: سفارش کرد (أَوْصَى، يُوَصِّي)
مُسْتَشْرِقٌ: خاورشناس	ثَقَافَةٌ: فرهنگ
مُعْجَبَةٌ بـ: شیفته (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ)	ثَقَافِيٌّ: فرهنگی
مُقَابَلَةٌ: مصاحبه	جوع: گرسنگی
مُنْدٌ: از هنگام	حَصَلَ عَلَيَّ: به‌دست آورد (حَصَلَ، يَحْضُلُ)
وَلَدٌ: زایید (وَلَدَ، يَلِدُ)	حَضَارَةٌ: تمدن
وَلِدٌ: زاده شد	دَكْتُورَاهُ: دکترا
يُولَدُ: زاده می‌شود	سَكَّلَ: تشکیل داد (سَكَّلَ، يُسَكِّلُ)
	شَهَادَةٌ: مدرک

مترادف و متضاد

يَعُدُّ = يُعْتَبَرُ: به‌شمار می‌آید	جَاعٌ: گرسنه شد ≠ شَبِعَ: سیر شد
رَفَعَ: بالا بُرد ≠ أَنْزَلَ: پایین آورد	عَدَاوَةٌ: دشمنی ≠ صَدَاقَةٌ: دوستی
أَلْقَى = أَوْقَعَ: انداخت	

جمع مکسر

حَقَائِقُ: جمع حَقِيقَةٌ: حقیقت	رُؤْمَاءُ: جمع رَمِيلٌ: همکار، همکلاسی
جُسُورٌ: جمع جِسْرٌ: پل	أَدْعِيَةٌ: جمع دُعَاءٌ: دعا
نِيَامٌ: جمع نَائِمٌ: خواب، خفته	بَرَامِجٌ: جمع بَرَامِجٌ: برنامه
جُهُودٌ: جمع جُهْدٌ: تلاش	مُظَاهِرٌ: جمع مَظْهَرٌ: مظهر، نشانه
فَضَائِلٌ: جمع فَضِيلَةٌ: فضیلت، برتری	قِيَمٌ: جمع قِيَمَةٌ: ارزش

متشابهات

مَدَّ: کشید / مَرَّ: گذر کرد	أَشَارَ: اشاره کرد / أَثَارٌ: برانگیخت
سَكَّلَ: تشکیل داد / تَشَكَّلَ: تشکیل شد	

۱) زبان، پیدایش و حقیقتش موضوعاتی‌اند که قرن‌هاست ذهن خیلی‌ها را مشغول خودش کرده! اینکه اولین زبان، چه زبانی بوده، زبان‌ها چطور به‌وجود آمده‌اند، واژگان و وضعشان و قواعد را چه کسانی وضع کرده‌اند و ... من فکر می‌کنم ما در حقیقت یک زبان بیشتر نداشته‌ایم و منشأ همهٔ زبان‌ها (کم‌وبیش) یکی است. برخی شواهد هم، این موضوع را تأیید می‌کنند. البته که دربارهٔ این موضوعات باید با احتیاط حرف زد.

۲) یادگیری زبان (هر زبانی) به قدرت حافظهٔ انسان بسیار کمک می‌کند. زبان و ریاضیات به‌شدت مغز را پرورش می‌دهند. جالب است بدانید که ذهن انسان تا ۱۲ سالگی به‌سرعت آمادهٔ پذیرش و یادگیری زبان است و هرچه قدر سَتمان بالاتر برود، این روند و پروسه، دشوارتر می‌شود. افسوس که ما تازه در ۱۴-۱۳ سالگی به‌طور رسمی به‌جبهه‌ها زبان یاد می‌دهیم!

۳) زبان‌ها به مرور زمان خیلی روی هم اثر گذاشته‌اند. در درس بعدی بیشتر در مورد این قضیه حرف می‌زنم.

التمرین

انتخب المناسب لل فراغات:

۱. تُعَدُّ الدكتورة «آنه ماري شيمل» من أشهر المستشرقين: خانم دکتر «آنه ماري شيمل» از معروف‌ترین خاورشناسان (بود به‌شمار می‌آید)
 ۲. وكانت مُنذ طفولتها مشتاقاً إلى كل ما يرتبط بالشرق و مُعجبةً بإيران: و (در از زمان) کودکی‌اش، به هر آنچه به شرق ارتباط دارد، مشتاق بود و (شیفته ساکن) ایران بود.
 ۳. كانت تُلقِي محاضرات باللغة الفارسية: به زبان فارسی (صحبت‌هایی داشت سخنرانی‌هایی می‌کرد)
 ۴. أوصت زملاءها أن يُشكّلوا فريقاً للحوار الديني و الثقافي: به همکارانش سفارش کرد که گروهی را برای گفت‌وگوی دینی و (فرهنگی تعاملی) تشکیل دهند.
 ۵. مدّ جسور الصداقة و الاتحاد بين الحضارات: کشیدن پل‌های دوستی و اتحاد میان (تمدن‌ها فرهنگ‌ها)
 ۶. أشارت شيمل في إحدى مقابلاتها إلى الأدعية الإسلامية: در یکی از (سخنرانی‌های مصاحبه‌های) خود به دعاهاى اسلامى اشاره کرد.
- پاسخ: ۱. به‌شمار می‌آید / ۲. از زمان، شیفته / ۳. سخنرانی‌هایی می‌کرد / ۴. فرهنگی / ۵. تمدن‌ها / ۶. مصاحبه‌ها

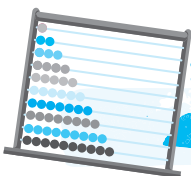
التمرین

انتخب المناسب لل فراغات:

۱. «لا تظلم كما لا تحب أن تظلم»: (ستم نکن ستم نمی‌کنی) همان‌طور که دوست نداری (ستم کنی مورد ستم قرار گیری)
 ۲. «بُعث النبي (ص) ليهدي الناس»: پیامبر برانگیخته شد تا (مردم هدایت شوند مردم را هدایت کند)
 ۳. «أ و لم يعلموا أن الله ييسط الرزق لمن يشاء»: آیا (نمی‌دانند ندانسته‌اند) که خداوند روزی را برای هرکس که بخواهد، (می‌گستراند زیادتر می‌کند)؟
 ۴. «... آمنهم من خوف»: (از ترس به او ایمان آوردند آن‌ها را از ترس ایمن کرد)
 ۵. «... على الله فليتوكل المؤمنون»: مؤمنان تنها (بر خداوند توکل می‌کنند باید بر خدا توکل کنند)
 ۶. «لم يلد و لم يولد»: (نمی‌زاید نزاده) و (زاده نشده است زاده نمی‌شود)
- پاسخ: ۱. ستم نکن، مورد ستم قرار گیری / ۲. مردم را هدایت کند / ۳. ندانسته‌اند، می‌گستراند / ۴. آن‌ها را از ترس ایمن کرد / ۵. باید بر خدا توکل کنند / ۶. زاده، زاده نشده است

مفهوم

۱. «إن الله لا يُغَيِّر ما بقوم حتى يُغَيِّرُوا ما بأنفسهم»: ترجمه: بی‌گمان خداوند آنچه را که در قومی هست تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آنچه را درون خودشان هست، تغییر دهند. مفهوم: تغییر حال و احوال ما باید به‌دست خودمان صورت بگیرد. در این صورت، خداوند هم کمکمان می‌کند.
۲. «على الله فليتوكل المؤمنون»: ترجمه: مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند. مفهوم: فقط باید از خداوند کمک بخواهیم.
۳. «لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً أحد»: ترجمه: زاده و زاده نشده و کسی برایش همتا نبوده است. مفهوم: خداوند شبیه هیچ‌کس و هیچ چیز نیست.
۴. «العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر»: ترجمه: عالم بدون عمل همانند درخت بدون میوه است. مفهوم: لزوم همراهی علم و عمل.
۵. «الدهر يومان؛ يوم لك و يوم عليك»: ترجمه: روزگار دو روز است؛ روزی به سود تو و روزی به زیان تو. مفهوم: دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور!
۶. «خير الأمور أوسطها»: ترجمه: بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌هاست. مفهوم: میانه‌گزینی کار بسیار منطقی و عقلانی است.



سنجش

در تانتتم

عامه‌پسند

۴۴. «كانت مُنذ طفولتها مُعجبةً بإيران!» عيّن الترجمة الصّحيحة للكلمتين:

۴ هنگام - طرفدار

۵ از زمان - شیفته

۶ از - خواستار

۱ در - عاشق



۴۴۶. «هذا يُعْتَبَرُ أفضل طريق لتعلّم اللغة الأجنبية!» عيّن المترادف لما تحته خط:

۱ يُعَدُّ

۲ يُجَرِّ

۳ يُدْعَى

۴ يُعْرَضُ

۴۴۷. «الصَّمَدُ هو الَّذِي» عيّن الصّحيح لتكميل الفراغ:

۱ له سعة و قدرة!

۲ قد يحتاج إلى الغير!

۳ لا يحتاج إلى أحد في أموره!

۴ يساعد الآخرين في أمورهم!

۴۴۸. عيّن ما ليس فيه جمع تكسير:

۱ أمرني ربّي بأداء الفرائض!

۲ إته يدرّس الفلسفة في جامعات الدّول الإسلاميّة!

۳ تُنشر هذه المقابلات من التلفاز الوطني!

۴ قرأت ترجمة بعض الأدعية لهما الدقيق!

۴۴۹. «... على الله فليتوكّل المؤمنون» عيّن الصّحيح:

۱ مؤمنين فقط بر خداوند توکّل می‌کنند!

۲ مؤمنان تنها باید بر الله توکّل کنند!

۳ فقط مؤمنان بر الله توکّل کرده‌اند!

۴ افراد مؤمنان بر خداوند توکّل کنند!

۴۵۰. «بُعِثَ النَّبِيُّ (ص) لِيَهْدِيَ النَّاسَ!»:

۱ پیامبر (ص) را برانگیختند تا مردم را هدایت نماید!

۲ فرستاده شدن پیامبر (ص) برای هدایت مردم بود!

۳ پیامبر (ص) فرستاده شد تا مردم هدایت شوند!

۴ پیامبر (ص) برانگیخته شد تا مردم را هدایت کند!

۴۵۱. «الناس نيام فإذا ماتوا انتبهوا!»:

۱ مردم، خفتگان‌اند، هرگاه بمیرند، هشیار می‌شوند!

۲ مردمان در خواب هستند، هرگاه بمیرند، هشیارشان می‌کنند!

۳ مردم، چون خفتگان هستند، زمانی‌که مردند، بیدار خواهند شد!

۴ چون مردم مانند خفتگان هستند، بعد از مرگشان بیدار می‌شوند!

۴۵۲. عيّن الخطأ:

۱ إنها تعلّمت لغات كثيرة منها الفارسيّة و العربيّة: او زبان‌های زیادی را آموخت از جمله فارسی و عربی!

۲ هي أوصت أن يكتب حديث على قبرها! او وصیت کرد که حدیثی را روی قبرش بنویسند!

۳ آلف ذاك المستشرق أكثر من مئة كتاب! آن خاورشناس بیش از صد کتاب تألیف کرد!

۴ أنا لم أسافر في السنتين الماضيتين! من در دو سال گذشته به سفر نرفته‌ام!

۴۵۳. «أيا نمی دانید که خداوند گناهان را می‌آمرزد؟!» عيّن الصّحيح:

۱ أ لا تعلمن أن الله يغفر الذنوب!

۲ أ لم تعلموا أن الله يغفر الذنوب!

۳ هل أنتم لا تعلمون أن الله غافر الذنوب!

۴ أ لا تعلمين أن الله عَقَّار الذنوب!

۴۵۴. «آزمون‌ها به دانش‌آموزان در یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کنند!»:

۱ ساعدت الامتحانات الطلاب لتعلّم الدروس!

۲ إن الامتحانات تُساعد طلاباً في تعليم دروسهم!

۳ إن الامتحانات تُساعد الطلاب في تعلّم دروسهم!

۴ تُساعد الامتحانات طلاباً في تعلّم الدروس!

۴۵۵. «العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر!» عيّن غير المناسب للمفهوم:

۱ علم با کار سودمند بود / علم بی‌کار پای‌بند بود

۲ عالم آن کس بود که بد نکند / نه بگوید به خلق و خود نکند

۳ دو صد گفته چون نیم‌کردار نیست!

۴ علم چندان که بیشتر خوانی / چون عمل در تو نیست نادانی

۴۵۶. عيّن ما لا يُستعمل قبل الفعل الماضي:

۱ لَمْ

۲ ما

۳ لَمْ

۴ هَلْ

۴۵۷. عيّن فعل النهي:

۱ إسترجي

۲ لا تُسترجي

۳ لَمْ تُسترجي

۴ لا تُسترجينَ

۴۵۸. عيّن الترجمة الصحيحة (حسب القواعد):

۱ لِنَتَوَكَّلْ: باید توکّل کنیم

۲ لا يَرْجِعْ: باز نمی‌گردد

۳ لَنْ يَشْتَرِكَ: شرکت نمی‌کند

۴ ما تَعَوَّدْتُ: عادت نمی‌کنم

۴۵۹. عيّن «اللام» حرف جرّ:

۱ أنا طرحت هذه القضية لأول مرّة!

۲ إرحم الناس ليرحمك الله!

۳ لِنُراجِعوا الدرس قبل الامتحانات!

۴ ذهبنا إلى المطار لاستقبال الضيوف!

۴۶۰. عيّن «لا» الناهية:

۱ لا شيء يُفترِحني كالمطالعة!

۲ عاهدنا أن لا نتأخّر!

۳ لا تقربا من الأمور القبيحة!

۴ لا تشاهدون في السماء إلا القمر!

۴۶۱. عيّن الخطأ عن الأفعال المضارعة:

۱ أيّها المؤمنون، لا تبطلوا صدقاتكم بالمن!

۲ إته لم يصدّق في كلامه!

۳ حاولوا أن تجتهدون في الدروس!

۴ لا شك أن الله يغفر الذنوب!

۴۶۲. «يبدأ العامل بعمله في الساعة السابعة!» عيّن الصّحيح في نفي العبارة:

۱ لا يبدأ!

۲ لم يبدأ!

۳ لن يبدأ!

۴ ليبدأ!

۴۶۳. عيّن المضارع بمعنى الماضي:

۱ هما لن يتوكّلا إلا على الله!

۲ لم ينجح من تكاسل في عمله!

۳ إن نعمل عمل خير فلنا أجره!

۴ يندفع جنودنا نحو الحدود!





طبقه متوسط

۴۶۴. عین ما فيه الترادف:

- ۱ جَزَ الحبل نحوه و مَدَّه مسافة طويلة!
۲ «أطعمهم من جوع و آمنهم من خوف»
۳ أَعْطَاه الطعام ← أَطْعَمَ
۴ عالم من الدُّول الغربيَّة عارف بالثقافة الشرقيَّة ← المستشرق

- ۱ الفرنسيَّة - الفارسيَّة - الفخريَّة - الأردنيَّة
۲ الحفلة - القرية - المدينة - البلاد
۳ الطفولة - الشباب - الشهادة - الصَّغر
۴ الأسبوع - السنَّة - الشَّهر - اليوم

۴۶۵. عین الخطأ:

- ۱ الَّذي ليس كمثلہ شيء ← الكُفُو
۲ أعطاه الطعام ← أَطْعَمَ
۳ هو الَّذي يعمل معك ← الرَّميل
۴ عالم من الدُّول الغربيَّة عارف بالثقافة الشرقيَّة ← المستشرق

۴۶۶. «لم أدع الاجتهاد في دروسي فلماذا تقدمت على الآخرين وأصبحت إنساناً ناجحاً!»:

- ۱ تلاشم در درس‌هايم هرگز ترک نشده است؛ لذا از ديگران جلو افتادم و انسان موفقی شدم!
۲ کوشش من در درس‌ها رها نشد؛ به‌خاطر آن بر ديگران برتری يافتم و انسان موفقی گرديدم!
۳ کوشش خود را در درس‌ها رها نکردم؛ بنابراین از ديگران سبقت گرفتم و انسانی موفق شدم!
۴ تلاش را در درس‌هايم رها نکردم؛ بدین سبب بر ديگران پيشی گرفتم و انسان موفقی گرديدم!

۴۶۸. «و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه»:

- ۱ از آنچه که نام الله بر آن برده نشده، نخوريد!
۲ از چیزی که نام خداوند را بر آن نمی‌برند، نخوريد!
۳ نخوريد از هر چیزی که اسم خداوند بر آن برده نمی‌شود!
۴ از آنچه که اسم خداوند بر آن برده نشده، نمی‌خوريد!

۴۶۹. «لا تحمّل شريك في الحياة ما لا يطيق أبداً، لأنه سيخجل منك!»:

- ۱ هیچ‌گاه نباید چیزی را که شريك زندگی تو طاقتش را ندارد و از آن خجالت می‌کشد، بر او تحميل کنی!
۲ هیچ وقت بر شريك خود در زندگی آنچه را طاقت ندارد تحميل مکن، زیرا از تو خجالت خواهد کشید!
۳ اگر در زندگيت، چیزی که شريك و همراهت تحمل ندارد بر او تحميل کنی، شرمندہ می‌شود!
۴ هرگز نباید ريفت را به کاری که تحمل آن را ندارد و او را شرمندہ می‌سازد، وادار کنی!

۴۷۰. «زرت صديقتي التي لم تشف من مرضها، ثم خرجت سريعاً لتستريح»:

- ۱ دوستی را که مریضی او معالجه نشده بود، زیارت کردم و بعد از رفتن من استراحت کرد!
۲ رفیقم را که از مرض خود شفا نیافته بود، ملاقات کردم و برای راحتی او شتابان خارج شدم!
۳ دوستم را که از بیماری‌اش بهبود نیافته بود، ملاقات کردم، سپس فوراً بیرون رفتم تا استراحت کند!
۴ از دوستم دیدن کردم، همان‌که از بیماری شفا نیافته است، سپس سریعاً برای استراحت خارج شدم!

۴۷۱. «علينا أن نحافظ على المواهب الطبيعية و النعمات التي تُعدّ رزقاً لنا و وسيلة لدوام حياتنا!»:

- ۱ ما باید از بخشش‌های طبیعت و نعماتی که برای ما به‌عنوان روزی و ابزاری در طول زندگی به‌شمار آمده، نگهداری نماییم!
۲ ما می‌بایست از موهبت‌های طبیعی و نعماتی که روزی و ابزاری برای دوام زندگی ما شمرده می‌شوند نگهداری می‌کردیم!
۳ بر ما است که از مواهب طبیعی و نعمت‌هایی که به‌عنوان روزی و وسیله‌ای برای ادامه زندگی ما به‌شمار می‌آیند، محافظت کنیم!
۴ بر ما لازم است که از بخشش‌های طبیعت و نعمت‌هایی که برای ما روزی شمرده می‌شوند و وسیله‌ای هستند برای طول زندگی، حفاظت نماییم!

۴۷۲. «لا تظلم كما لا تحب أن تظلم!»:

- ۱ ستم نکن همان‌طور که دوست نداری به تو ستم شود!
۲ ظلم مکن چرا که دوست داری به تو هم ظلم نشود!
۳ ستم نمی‌کنی همان‌گونه که دوست داری به تو ستم نشود!
۴ نباید ظلم کنی همان‌طور که دوست نداری مورد ستم قرار گیری!

۴۷۳. «قالت الأعراب آمناً قل لم تؤمنوا و لكن قولوا أسلمنا»:

- ۱ بادیه‌نشینان می‌گویند: ایمان آورده‌ایم، بگو: ایمان نیاورید؛ بلکه اسلام آورده‌اید!
۲ اعراب گفتند: ایمان می‌آوریم، بگو: ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: اسلام می‌آوریم!
۳ اعراب گفتند: ایمان آوردیم، بگو: ایمان نمی‌آورید؛ بلکه اسلام می‌آورید!
۴ بادیه‌نشینان گفتند: ایمان آورده‌ایم، بگو: ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آورده‌ایم!

۴۷۴. عین الخطأ:

- ۱ هذا هو الربّ الَّذي أطعمكم من جوع! این همان پروردگاری است که در گرسنگی خورا کتان داد!
۲ أنشروا الصدق في العالم فإنه من صفات العظمة! راستی را در جهان نشر دهید؛ چرا که از ویژگی‌های بزرگان است!
۳ التلاميذ ليقرؤوا دروسهم قبل موعد الامتحانات! دانش‌آموزان پیش از موعد امتحانات درس‌هایشان را می‌خوانند!
۴ لتيحث الأمة الإسلاميَّة عن أسباب تقدّم الأمم الأخرى! امت اسلامی باید به‌دنبال دلایل پیشرفت دیگر امت‌ها بگردد!

(زبان ۹۱)

(فارح از کشور ۹۳)

(سراسری ۸۴)

(هنر ۹۷)





۴۷۵. عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) لنعمل بما نقول حاولنا أكثر من قبل! باید به آنچه می‌گوییم، عمل کنیم و بیش از پیش تلاش کنیم!
- ۲) من المهم أن نمدّ جسور الصداقة في العالم الإسلامي! مهم است که پل‌های دوستی را در جهان اسلام بکشیم!
- ۳) نعرف بعض الحضارات من خلال مظاهر في المدن! برخی تمدن‌ها از طریق نشانه‌ها در شهرها شناخته می‌شوند!
- ۴) يكون هدف هذا الحوار الثقافي رفع بعض المشاكل! هدف این گفت‌وگوی دوستانه، رفع برخی مشکلات می‌باشد!

۴۷۶. «برای رسیدن به موفقیت باید بسیار تلاش کنیم!»:

- ۱) لنصل إلى النجاح علينا بالمحاولة الكثيرة!
- ۲) لنحاول كثيراً للوصول إلى النجاح!
- ۳) للحصول على التوفيق لنحاول كثيراً!
- ۴) للوصول إلى التوفيق نحاول كثيراً!

۴۷۷. «مادر به فرزند کوچکش اجازه نداد که از درخت بالا برود؛ زیرا می‌ترسید که به زمین بیفتد!»:

- ۱) الأم لا تسمح إلى ولدها الصغير أن يصعد شجرة و هي تخشى أن يسقط إلى الأرض!
- ۲) ما سمحت الوالدة إلى الولد الصغير تسلق الشجرة لأنها خشيت من وقوعه على الأرض!
- ۳) لم تسمح الأم لولدها الصغير أن يتسلق الشجرة لأنها كانت تخاف أن يسقط على الأرض!
- ۴) كانت الوالدة لا تسمح إلى الولد الصغير صعود الشجرة لأنها قد خافت أن يقع إلى الأرض!

۴۷۸. عَيْنِ ما لا يناسب المفهوم:

- ۱) أمرني رتي بمدارة الناس كما أمرني بأداء الفرائض! نرمی از خلق مدارید توقع که مسیح / روغن از ریگ به حکمت نتوانست کشید
- ۲) عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل! گر زهر دهد تو را خردمند بنوش / ور نوش رسد ز دست نااهل بریز
- ۳) أكلتم تمرى و عصيتم أمرى! مکیدن لب شاهد و زخم کردن / نمک خوردن است و نمکدان شکستن
- ۴) العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر! علم چون با عمل نشد انباز / به مثل چون درخت بی‌ثمر است

۴۷۹. عَيْنِ «لم» تدلّ على الاستفهام:

- ۱) «أ و لم يعلموا أن الله يسطر الرزق لمن يشاء»
- ۲) أنا لأ أحب من لم يهتم بمطالعة الكتب!
- ۳) أ لم تعلمي أن الله معنا فلم أنت مضطربة!
- ۴) أولئك طالبات لم يقصرن في أداء الواجبات!

(ریاضی ۸۲، با اندکی تغییر)

۴۸۰. عَيْنِ العبارة التي لها معنى المضارع:

- ۱) تزین الطالب بالأخلاق الحسنة!
- ۲) ما رأى الإنسان نتيجة ظلم الظالمين!
- ۳) إن قرأت الدروس بدقة انتفعت بها!
- ۴) لم تنجح من لم تنظر في عواقب عملها!

(ریاضی ۹۰)

۴۸۱. عَيْنِ اللام يختلف عن الباقي:

- ۱) ليعلم الإنسان أن العقل السليم مصلح لكل الأمور!
- ۲) لأبعد نفسي عن الغضب حاولت كثيراً!
- ۳) لأجعل الجهد نصب أعيني حتى أصل إلى هدفي!
- ۴) لنتجنب مشاورة كل مشفق جاهل!

۴۸۲. عَيْنِ ما لا يعادل المضارع الالتزام في الفارسية:

- ۱) ليتوكل المؤمن على ربه العظيم في صعوبات الحياة!
- ۲) ما تفعلن من خير في السرّ فالله به عليهم!
- ۳) إصبر حتى يُعطيك الله نتيجة حلمك!
- ۴) يا بني! لا تُحدّث بما تخاف تكذيبه!

۴۸۳. عَيْنِ «اللام» تختلف عن الأخرى:

- ۱) لتواجه المؤمنات مشاكل الدهر صارت متفائلات!
- ۲) يقال إنّ الفرص تمرّ مَرّ السحاب فلنغتنمها!
- ۳) لتصلي إلى مشهد أسرع عليك أن تسافري بالطائرة!
- ۴) ليساعدوا مظلومي العالم حتى يتخلصوا من الظلم!

(تبریزی ۹۸)

۴۸۴. عَيْنِ ما فيه طلب للقيام بالعمل:

- ۱) ليذهبوا إلى المدرسة!
- ۲) قاموا ليذهبوا إلى المدرسة!
- ۳) لهم إمّا الذهاب إلى المدرسة و إمّا البقاء فيها!
- ۴) هم إجتمعوا للذهاب إلى المدرسة قبل فوات الفرصة!

(عمومی غیر انسانی فارح از کشور ۹۸)

۴۸۵. عَيْنِ الخطأ في صيغة المضارع:

- ۱) رأيتُ زملائي ما يوسين فقلت لهم لا تياسون من رحمة الله!
- ۲) تكلمتُ مع أصدقائي ليعلموا كيف يُمكن لهم أن ينجحوا في برامجهم!
- ۳) إتهم خرجوا من دارهم ليذهبوا إلى المدرسة و أنتم لم تخرجوا حتى الآن!
- ۴) إتهن خرجن من دارهن كي يذهبن إلى المدرسة و أنتن لم تخرجن حتى الآن!

باشگاه مبارزه



۴۸۶. عَيْنِ الخطأ:

- ۱) الذي لم يأكل الطعام لمدة طويلة! (الجائع)
- ۲) القيم المشتركة بين جماعة من الناس! (الثقافة)
- ۳) الموت في الطريق الحق! (الشهادة)
- ۴) الذي يحب شخصاً أو شيئاً حباً كثيراً! (المُعجَب)

۴۸۷. عَيْنِ الخطأ للفرافات:

- ۱) العالم الفرنسي إلى إيران القديمة! (أشاز - حضارة)
- ۲) أحد أساتذتنا دكتوراه من جامعة عالميّة! (حصل على - فخرية)
- ۳) كنت أحبّ الشعر طفولتي و بحافظ! (عَبْر - محاضرة)
- ۴) عدد من المستشرقين ضيافة بأطعمة كثيرة جزءاً من إيران! (يعدّ - ثقافة)



۴۸۸. «صدیقی درس في جامعة هارفارد ما يقارب خمس سنوات!» صدیقی درس في جامعة هارفارد : عَيْن الصَّحِيح:
 ۱) حوالي خمس سنوات! ۲) أكثر بكثير من خمس سنوات! ۳) أقلّ جداً من خمس سنوات! ۴) خمس سنوات بالتحديد!

۴۸۹. ﴿فليعبدوا ربَّ هذا البيت الَّذي أطمعهم من جوع و آمنهم من خوف﴾ پس :

- ۱) پروردگار این خانه را بپرستند، کسی که در گرسنگی به ایشان طعام داد و در ترس به او ایمان آوردند!
- ۲) باید پروردگار این خانه را بپرستند، همان که در گرسنگی خورا کشان داد و از بیم ایمنشان کرد!
- ۳) پروردگار این خانه را می‌پرستند، همان کسی که از گرسنگی نجاتشان داد و از ترس به او ایمان آوردند!
- ۴) پروردگار این خانه را باید بپرستند، همان که از گرسنگی نجاتشان داد و از ترس به او ایمان آوردند!

۴۹۰. «إنَّها كانت من أشهر مستشرفي القرن العاشر الهجري، و كانت تقدر أن تلقى محاضراتها العلميَّة بأكثر من خمس لغات عالميَّة!»: (فارج از کشور، ۹۸)

- ۱) همانا او مشهورترین خاورشناس در قرن دهم هجری بود، و قادر بود به بیش از پنج زبان جهانی سخنرانی علمی ایراد کند!
- ۲) وی حقیقتاً مشهورترین خاورشناس سدهٔ دهم هجرت بوده که به بیش از پنج زبان بین‌المللی می‌توانست سخنرانی علمی کند!
- ۳) وی بی‌گمان از مستشرقان مشهور در سدهٔ دهم هجرت بود، و قدرت داشت به بیش از پنج زبان در جهان سخنرانی‌های علمی کند!
- ۴) قطعاً او از مشهورترین مستشرقان قرن دهم هجری بود، و می‌توانست سخنرانی‌های علمی خود را به بیش از پنج زبان بین‌المللی ایراد کند!

۴۹۱. «لنكن متفائلين بما يحدث حولنا لكي نلتذذ من كل لحظة و لا نصيح نادمين في المستقبل!»:

- ۱) نسبت به آنچه پیرامونمان می‌گذرد، خوشبین هستیم تا از هر لحظه لذت ببریم و در آینده پشیمان نباشیم!
- ۲) باید نسبت به آنچه پیرامونمان رخ می‌دهد، خوشبین باشیم تا از هر لحظه لذت برده و در آینده پشیمان نشویم!
- ۳) باید به آنچه اطرافمان می‌گذرد، خوشبین شویم تا با لذت بردن از هر لحظه در آینده پشیمان نباشیم!
- ۴) نسبت به آنچه اطرافمان اتفاق می‌افتد، باید خوشبین شویم تا از هر لحظه لذت ببریم و بعداً دچار پشیمانی نشویم!

۴۹۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرَ مَا بَأْنَفْسِهِمْ﴾:

- ۱) بلاشک الله دگرگون نمی‌کند هیچ قومی را آلا اینکه آنچه در دل‌های آن قوم است تغییر داده شود!
- ۲) همانا خداوند آنچه را در قومی هست، تغییر نمی‌دهد مگر این‌که آنچه را در درونشان هست، تغییر دهند!
- ۳) قطعاً الله چیزی را که قومی در درون خود دارد، تغییر نخواهد داد مگر اینکه ابتدا درون خویش را تغییر دهند!
- ۴) بدون تردید خداوند دگرگون‌کنندهٔ چیزی که قومی در نفس خود دارد نیست آلا این‌که نخست آن چه را در دل دارند، دگرگون سازند!

۴۹۳. عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) ما يقارب مئة مستشرق شكّلوا فريقاً للاتحاد بين الحضارات! گروهی برای یکپارچگی میان تمدن‌ها از چیزی نزدیک به صد خاورشناس تشکیل شد!
- ۲) مدرّسنا قام بإلقاء محاضرات عن تأثير الثقافة في أفراد المجتمع! معلّم ما اقدام به سخنرانی‌هایی دربارهٔ اثر گذاشتن فرهنگ بر افراد جامعه کرد!
- ۳) هل تصدّقين أنّ أختي تقرأ الأدعية باللغة العربيّة و لا تراجع ترجمتها! آیا باور می‌کنی که خواهرم دعاها را به زبان عربی می‌خواند بدون اینکه به ترجمه‌شان رجوع کند!
- ۴) لم تتحدّثون عن موضوع ما أثبتت حقيقته لكم! دربارهٔ موضوعی که حقیقتش برای شما به اثبات نرسیده، حرف نزدید!

۴۹۴. عَيْن الخطأ:

- ۱) ﴿قل هو الله أحد﴾: بگو او خداوند یکتاست،
- ۲) ﴿الله الصمد﴾: خداوند بی‌نیاز است،
- ۳) ﴿لم يلد و لم يولد﴾: زاده و زاده نشده است،
- ۴) ﴿و لم یکن له كفواً أحد﴾: و کسی همانندش نیست!

۴۹۵. عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) ﴿لا يحزنك قولهم إنّ العزة لله جميعاً﴾: سخنشان تو را ناراحت نمی‌کند؛ چرا که ارجمندی همه از آن خداست!
- ۲) ﴿ألم يعلموا أنّ الله هو يقبل التوبة عن عباده﴾: آیا ندانسته‌اند که تنها الله است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد!
- ۳) ﴿ألم يعلموا أنّ الله ييسر الرزق لمن يشاء﴾: آیا ندانسته‌اند که الله روزی را برای هرکس که بخواهد، فراوان می‌کند!
- ۴) أحسبن كما تحبّ أن يُحسن إليك! نیکی کن همانطور که دوست داری به تو نیکی کند!

۴۹۶. عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) أوصانا جدّنا بالآ نفتخر بحضارتنا فقط! پدربزرگمان به ما سفارش کرد که فقط به تمدنمان افتخار نکنیم!
- ۲) هؤلاء طالبات مجّدات فلم لم يطالغن الدروس! اینان دانش‌آموزانی تلاش‌گرند؛ پس چرا درس‌ها را مطالعه نمی‌کنند!
- ۳) لأتقرّب إلى الله أجتنب الذنوب الكبيرة! باید به خداوند نزدیک شوم تا از گناهان بزرگ دوری کنم!
- ۴) لا تسمح إلا للأفكار الرائعة لكي تؤثر على قلبك! اجازه ندارند جز افکار دل‌انگیز تا بر قلب تو تأثیر بگذارند!

۴۹۷. عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) لا تتكاسل، فإنّ التّجاح لا يُناسب الكسل! تنبلی مکن که موفقیت با تنبلی تناسب ندارد!
- ۲) لا تتكاسل الممرضة الحاذقة عن أعمالها! ای پرستار ماهر، در انجام کارهایت تنبلی مکن!
- ۳) شاهد الطّلاب درجاتهم في الصّفّ فائزين! نمرهٔ دانش‌آموزان کلاس را نگاه کن که چگونه موفق هستند!
- ۴) صادق الَّذي يُشفق عليك و أنت في غفلة! آن که دلسوز تو است، با تو دوستی کرد در حالی که غافل بودی!





۴۹۸. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱ قبل كل شيء ليعتمد القدرة على العقل! قدرت، قبل از هر چیز بر عقل تکیه دارد!
- ۲ نعلم كثيراً من الأشياء ولكنها ليست في ذاكرتنا! با اینکه خیلی چیزها را می‌دانیم، ولیکن آن‌ها را به یاد نمی‌آوریم!
- ۳ إن الأسرة مؤثرة كثيراً في تربية أبنائها بلا شك! بدون تردید خانواده‌ها تأثیر فراوانی در تربیت فرزندان‌شان خواهند داشت!
- ۴ كيف قدرت أن تحفظ الورد في غضاضة في هذا الجوّ الحار! در این هوای گرم چگونه توانستی گل را تازه نگه داری!

۴۹۹. عَيْنُ الخَطَأِ:

- ۱ لا تحسد أحداً على نعمة أعطاه الله: بر کسی به خاطر نعمتی که خداوند به او داده حسادت نوز،
- ۲ فأنت لا تعلم ماذا قد أخذ الله منه: زیرا تو نمی‌دانی که خداوند چه چیزی را از او گرفته است،
- ۳ و لا تحزن بمصيبة قد وصلت إليك: و بر مصیبتی که به تو رسیده است، محزون مشو،
- ۴ فأنت لا تعلم ماذا سيعطيك بدلها! چه، تو نمی‌دانی پروردگارت چه چیزی را قرار است به تو بدهد!

۵۰۰. «به دشمن اجازه ندادیم که در دل‌های جوانان تأثیر بگذارد» عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱ إنا لم نسمح للأعداء أن يؤثروا في قلوب الشباب! ما سمحنا للعدو للتأثير على قلوب الشباب!
- ۲ لن نسمح للعدو أن يتأثر بقلوب شبابنا! لم نسمح للعدو أن يؤثر على قلوب الشباب!

۵۰۱. عَيْنُ الخَطَأِ:

- ۱ مادبرزگم کتابی داشت که درباره تاریخ ایران تألیف شده بود! کان لجدتی کتاب آلف عن تاریخ ایران!
- ۲ برای رسیدن به راه نجات باید تلاش کنم! علی بالمحاولة للوصول إلى سبيل النجاة!
- ۳ تلاش کنید تا سرنوشت‌تان را در زندگی تغییر دهید! لتحاولوا لتغیروا مصیرکم في الحياة!
- ۴ پدرم مردی بود که از خانواده بسیار پشتیبانی می‌کرد! کان ابي رجلاً یحمي الأهل كثيراً!

۵۰۲. عَيْنُ الخَطَأِ في ضبط حركات الحروف:

- ۱ إشتلم الأدوية في الصُدِّيَّة في نهاية مَمَرِ المُستَوَصِّف! للزرافة صوتُ يُحَدِّزُ الحَيَوَانَاتِ حَتَّى تبتعدَ عن الخَطَر!
- ۲ إن الامتحانات تُساعدُ طُلَّابَ المَدارسِ لِتَعَلُّمِ دُروسِهِم! على كلِّ الناسِ أن يتعايشوا مع بعضهم تعايشاً سلمياً!

۵۰۳. عَيْنُ الخَطَأِ في ضبط الكلمات:

- ۱ يبلغُ الصادقُ بِصدقِهِ ما لا يبلُغُهُ الكاذبُ بِاحتِمالِهِ! لكلِّ اختراعٍ علميٍّ وابتكارٍ وَجَعٌ نافعٌ و وَجَعٌ مُضِرٌّ!
- ۲ ينمُّ التَّوارُثُ في الطَّبِيعَةِ من خلالِ وُجودِ زوايِطِ مُتداخِلَةٍ! على كلِّ الناسِ أن يتعايشوا مع بعضهم تعايشاً سلمياً!

۵۰۴. عَيْنُ الخَطَأِ في ضبط حركات الحروف:

- ۱ كيف يُمكنُ لكُ أن تُنَجِّحَ في برامِجِك! لا تُظلمُ كما لا تُحِبُّ أن تُظلمَ!
- ۲ إتيها كانت تُلقِي مُحاضراتٍ بِاللُّغَةِ الفارسيَّةِ! دَرَسَتْ كَذَلِكَ ما يُقارِبُ بَيتَ سَنوات!

۵۰۵. عَيْنُ الخَطَأِ في ضبط حركات الكلمات:

- ۱ مَدَّ جُسورَ التَّفاهِمِ بَينَ أوروبا و العالَمِ الإسلاميِّ! كانت مُستَناقَةً إلى كُلِّ ما يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ!
- ۲ الدُّكتوراهُ من أعلَى شَهاداتِ التَّخَصُّصِ في الجامِعاتِ! عداوةُ العاقلِ خَيْرٌ من صداقةِ الجاهلِ!

۵۰۶. عَيْنُ الخَطَأِ في ضبط حركات الحروف:

- ۱ أمزني ربي بِمداراةِ الناسِ أَكثَرَ من كُلِّ شيءٍ! المُستَشْرِقُ أشازُ في مُقابَلَةِ إلى تَأثُرِ العَرَبِ بِالإسلام!
- ۲ شَهادَةُ تُعطى لِشَخْصٍ تُقدِّراً لِجُهودِهِ في مجالٍ مُعَيَّنٍ! هِي كَانتِ تُحِبُّ العَيشَ في الشَّرْقِ و مُعجَبَةً بِإيران!

۵۰۷. عَيْنُ ما فيه النهي عن القيام بالعمل:

- ۱ لا نجاح و لا فوز لمن يُريدُهُما بلا جُهد و عمل! لا حيلة لنا إلا التمسكُ بالعمل و الالتزامُ بالعهود!
- ۲ لا تَبَلِّغونَ بأقوالِكُم آمالِكُم، فإنَّ الهمةَ دواؤُكم! لا تفتنوا بما لديكم، فربما يزول في لحظة!

۵۰۸. عَيْنُ «لم» تدلُّ على الاستفهام:

- ۱ هذا الرجلُ عبدُ صالحٍ و لم يتركِ أَقربائِهِ عندَ المُشاكلِ! إنَّ أيتامَ الامتحاناتِ قَريبةٌ فلم لا تطالعينِ دروسك!
- ۲ كثيرٌ من الإعجازاتِ في الطَّبِيعَةِ لم تُكتشفِ حَتَّى الآنِ! تلكَ الطالبةُ لم تفهمِ الدرسَ جَيِّداً!

۵۰۹. عَيْنُ الفعلِ لم يتغيَّرَ زمانه في الترجمة:

- ۱ من طلبِ العُلَى صبرٌ على المصاعِبِ في سبيلِ ذلكِ! إن لم تأتِ في الساعةِ المَعَيَّنَةِ ذهبتِ مع أَصدقائِي!
- ۲ أنتما تجتهدان كثيراً لهدفكما فمبارك لكما النجاح! يا ولدي؛ لماذا لم تدرس جَيِّداً فهذا غير مقبول!

۵۱۰. عَيْنُ «اللام» يدلُّ على معنى «الامتلاك»:

- ۱ يخرجُ الفلاحُ لطلبِ الرزقِ لِأُسرتِهِ! أنتم تتعلَّمون العَربيَّةَ لتفهموا لغةَ القرآن!
- ۲ في مدرستنا طالبٌ له ذاكرةٌ قَويَّةٌ فيحفظُ الأشياءَ جَيِّداً! بُعثَ النَّبِيُّ (ص) لِيَهديَ الناسَ إلى الحَقِّ!

۵۱۱. «أخوای الدراسة في المراحل العالیة ولكن أختي ها» عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلفراغين:

- ۱ لم یواصلا - واصلتُ
- ۲ لن یواصلا - لا یواصلا
- ۳ ما واصلا - لم توأصلا
- ۴ لا یواصلا - لن توأصلا

(تهرنی ۹۹)

(انسانی ۹۸)

(عمومی غیر انسانی فارح از کشور ۹۸)

(زبان ۹۷)

۵۱۲. عین ما فيه فعل يعادل المضارع الاتزامي:

- ۱) ليعتمد الإنسان على قدرات نفسه!
 ۲) لا ينجح المرء في حياته إلا بالهمة العالية!
 ۳) لم أفهم ما كان قصد صديقي من كلامه!
 ۴) لا تتقدمان في الأمور بالتكاسل!

۵۱۳. عین ما ليس فيه فعل يعادل الاتزامي الفارسي:

- ۱) لأستشر من يريد لي خير الأمور!
 ۲) لا أحد متا يعرف ماذا يحدث له في المستقبل!
 ۳) لأدرس في مكان هادئ ذهبت إلى المكتبة!
 ۴) قررنا ألا نساfer في عطلات النوروز!

۵۱۴. عین الصّحيح عن الأفعال المعینة:

- ۱) لا نستمع إلى كلام فيه عصيان لله! للمتکلم مع الغير، فعل النهي، مجرد ثلاثي، يترجم إلى المضارع الاتزامي
 ۲) لا تغتروا بصلاتهم ولكن اختبروهم عند صديق الحديث! للمخاطبين، فعل مضارع للنفي، مجرد ثلاثي
 ۳) هذا العمل يرفع شأنها في الجامعات الإسلامية! للغائب، فعل مضارع، مزيد ثلاثي، يترجم إلى المضارع الاتزامي
 ۴) أنا أقرأ الأدعية باللغة العربية و لا أراجع ترجمتها! للمتکلم وحده، فعل النفي، مزيد ثلاثي

النص الأول

(تبريز ۹۸)

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص (۵۱۸-۵۱۵):

في مخلوقات ربنا الرحمن مظاهر من الجمال و المنفعة و الحكمة. تُشاهد أحياناً في وسط الصحراء مناطق فيها نباتات و أشجار، تغذيها بمياه العيون المتعددة و الآبار (جمع بئر)، منها أشجار مثمرة كالنخل. و تظهر أنواع كثيرة من الأزهار الجميلة في بعض المناطق الصحراوية بعد الأمطار الشديدة، إلا أنها لا تدوم حياتها إلا ۶ أو ۸ أسابيع. و توجد أيضاً بعض النباتات ذات الأوراق القليلة لكي لا تفقد من الماء بالتبخر إلا القليل منه! و بعض النباتات الصحراوية أصلها في باطن الأرض، في عمق أكثر من ۵۰ متراً، و بذلك تستطيع كلها العيش مدة طويلة من الزمن! و يمكن زراعة المحصولات الزراعية في قسم من الصحراء خصوصاً أطرافها، بواسطة القنوات أو الأنابيب (لولها).

۵۱۵. عین الخطأ:

- ۱) إن الصحراء جافة و لا عين فيها!
 ۲) كل الأشجار تعيش و إن يكن لها أوراق قليلة!
 ۳) الأشجار التي لها أوراق كثيرة تحتاج إلى ماء أكثر!
 ۴) هناك بعض الأشجار في الصحراء أصلها في عمق الأرض!

۵۱۶. عین الصّحيح:

- ۱) لا فائدة لبعض الأشجار الصحراوية!
 ۲) لا توجد في الصحراء أشجار لها أوراق كثيرة!
 ۳) حياة الأشجار الصحراوية كلها خارجة عن إرادة الإنسان!
 ۴) لا بدّ من الماء الذي في باطن الأرض لحياة الأشجار الصحراوية!

۵۱۷. عین الخطأ: إن الأشجار في الصحراء تعيش مدة طويلة لأنّ ...

- ۱) بعضها تشرب الماء من باطن الأرض حتى في أقل من سبعين متراً!
 ۲) أوراق بعضها قليلة فلا تحتاج إلى ماء كثير!
 ۳) الله تعالى ينزل عليها المطر في أكثر الفصول!
 ۴) حياة بعضها بواسطة العيون و الآبار!

۵۱۸. عین الخطأ: يمكن أن نحصل في الصحراء على ...

- ۱) النباتات النافعة التي لها جمال!
 ۲) الأشجار المثمرة بمساعدة العيون!
 ۳) المحصولات الزراعية بواسطة القنوات أو الأنابيب!
 ۴) الأزهار بسبب الأمطار التي دوامها ستة أو ثمانية أسابيع!

عین الصّحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۵۲۱-۵۱۹):

۵۱۹. «تُشاهد»:

- ۱) مضارع، مزيد ثلاثي (من وزن «تفاعل»)، مجهول / فعل و الجملة فعلية
 ۲) مضارع، مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ش هـ د)، معلوم / فعل و فاعله «مناطق»
 ۳) فعل مضارع، للمخاطب، مزيد ثلاثي (من وزن «فاعل»)، و مصدره «مفاعلة» / فعل مجهول
 ۴) فعل مضارع، للغائبة، مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ش هـ د) / فعل و فاعله محذوف، و الجملة فعلية

۵۲۰. «تظهر»:

- ۱) فعل مضارع، للمخاطب، معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
 ۲) مضارع، للغائبة، مجرد ثلاثي / فعل و فاعله «أنواع»
 ۳) فعل مضارع، للمخاطب، مجرد ثلاثي (مصدره: إظهار) / فعل و فاعله «أنواع»
 ۴) مضارع، للغائبة، مجرد ثلاثي (مصدره: ظهور) / فاعله «الأزهار»

۵۲۱. «مثمرة»:

- ۱) مفرد مؤنث، اسم فاعل (فعله: ثمر) / صفة للموصوف «أشجار»
 ۲) اسم، مؤنث، اسم فاعل (مصدره: إثمار) / صفة للموصوف «أشجار»
 ۳) اسم، مفرد مؤنث، اسم فاعل (مصدره: إثمار) / صفة للموصوف «أشجار»
 ۴) اسم، مؤنث، اسم فاعل (مصدره: إثمار) / صفة للموصوف «النخل»

النص الثاني

(رياضي ۹۵)

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص (۵۲۵-۵۲۲):

في الحياة ظواهر عجيبة تدعونا إلى الاعتراف بوجود قوة علمية و حكيمة تدبرها! على سبيل المثال اقرؤوا هذين الموضوعين. أراد العلماء أخيراً أن يقوموا بتغييرات في الرادارات الحالية بعد تحقيقات أجريت على أكبر شبكة خطوط العنكبوت (ما تصعنه العنكبوت كبيت لها).

و قد تبين من خلالها أن العنكبوت لا تنتظر أن تأتي الحشرات إليها، بل تستخدم هذه الخيوط كرادار لتلك الحشرات حتى تطير نحوها و تسيير في نفس المواقع التي يعينها رادار العنكبوت!
و أما الثاني فهذه الآية الكريمة ﴿لا الشمس ينبغي لها أن تدرك القمر و لا الليل سابق النهار، و كل في فلك يسبحون﴾ تشير إلى حقيقة علمية و هي أن الأرض و معها القمر لا يلتقيان مع الشمس. هذه الكواكب و السيارات المختلفة كلها تتحرك بانتظام ضمن حسابات دقيقة جداً!

۵۲۲. عین الصّحیح: على أساس النصّ

- ۱ عدم التقاء الشمس و القمر هو نتيجة حركة الأفلاك!
۲ يختار الصيد بعض الأحيان الطريق الذي يعينه الصياد!
۳ شبكة العنكبوت تنتظر دائماً إتيان الحشرة لتصيدها و تأكلها!
۴ قام العلماء بصناعة صورة الرادار على أساس شكل خيوط العنكبوت!

۵۲۳. عین الصّحیح للفراغ: «استطاع العلماء أخيراً أن يصنعوا راداراً يعين

- ۱ مكان الهدف المطلوب بدقة!
۲ زمان حركة الشيء و نوعه و كفاءته!
۳ مسير حركة الهدف كما هو مطلوب!
۴ الهدف في غاية الدقة و السرعة!

۵۲۴. ﴿و كل في فلك يسبحون﴾ المقصود من الآية الكريمة هو

- ۱ كثرة المخلوقات و الأفلاك السماوية!
۲ سير الأفلاك و تسبيحها في مدارات ثابتة معينة!
۳ عبادة الموجودات و تسبيحها في الأفلاك!
۴ اشتغال الأفلاك السماوية بالتسبيح حول الأجرام السماوية!

۵۲۵. المفهوم الأقرب إلى النصّ هو:

- ۱ عند الله تحشر الأمور!
۲ كن واثقاً بالله في كل حادث!
۳ شكر الفتى لله بقدر نعمته!
۴ إن أمور العالم تجري بحكم حكيم!

عین الصّحیح في الإعراب و التحليل الصرفي (۵۲۸-۵۲۶):

۵۲۶. «تُدبّر»:

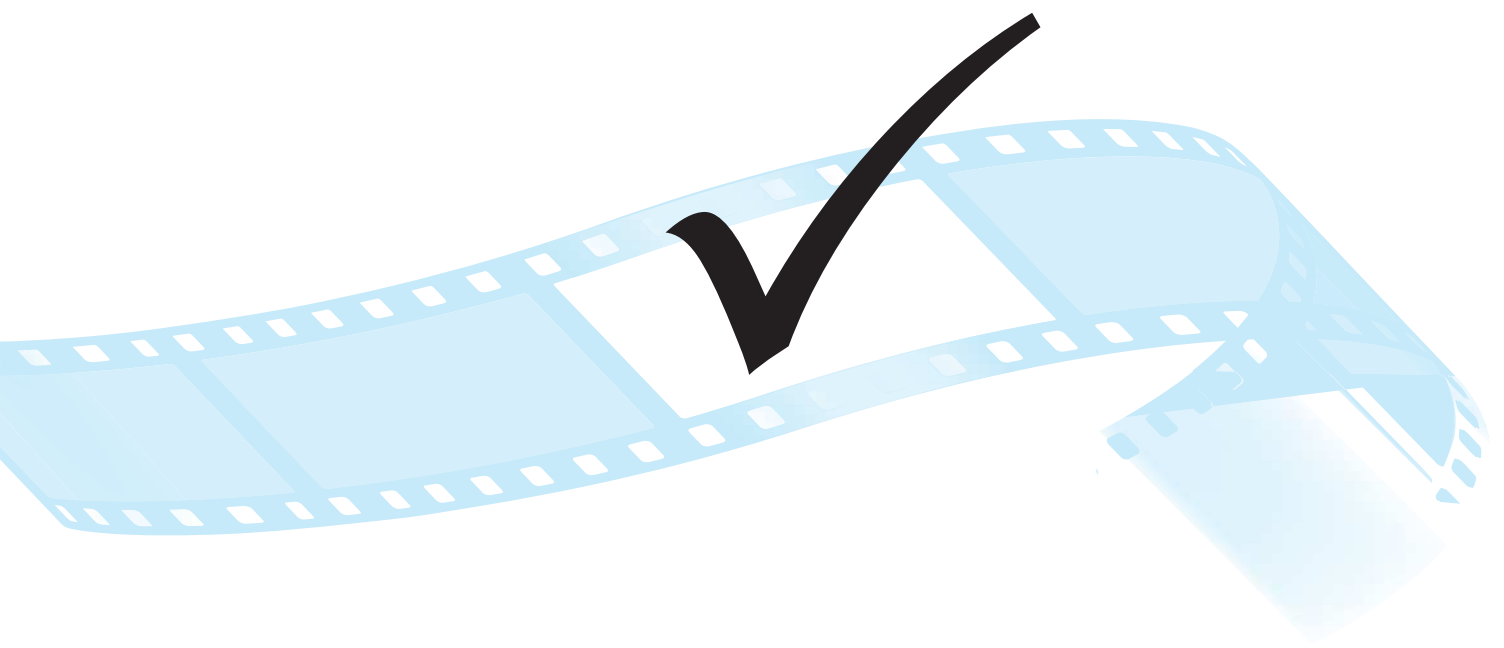
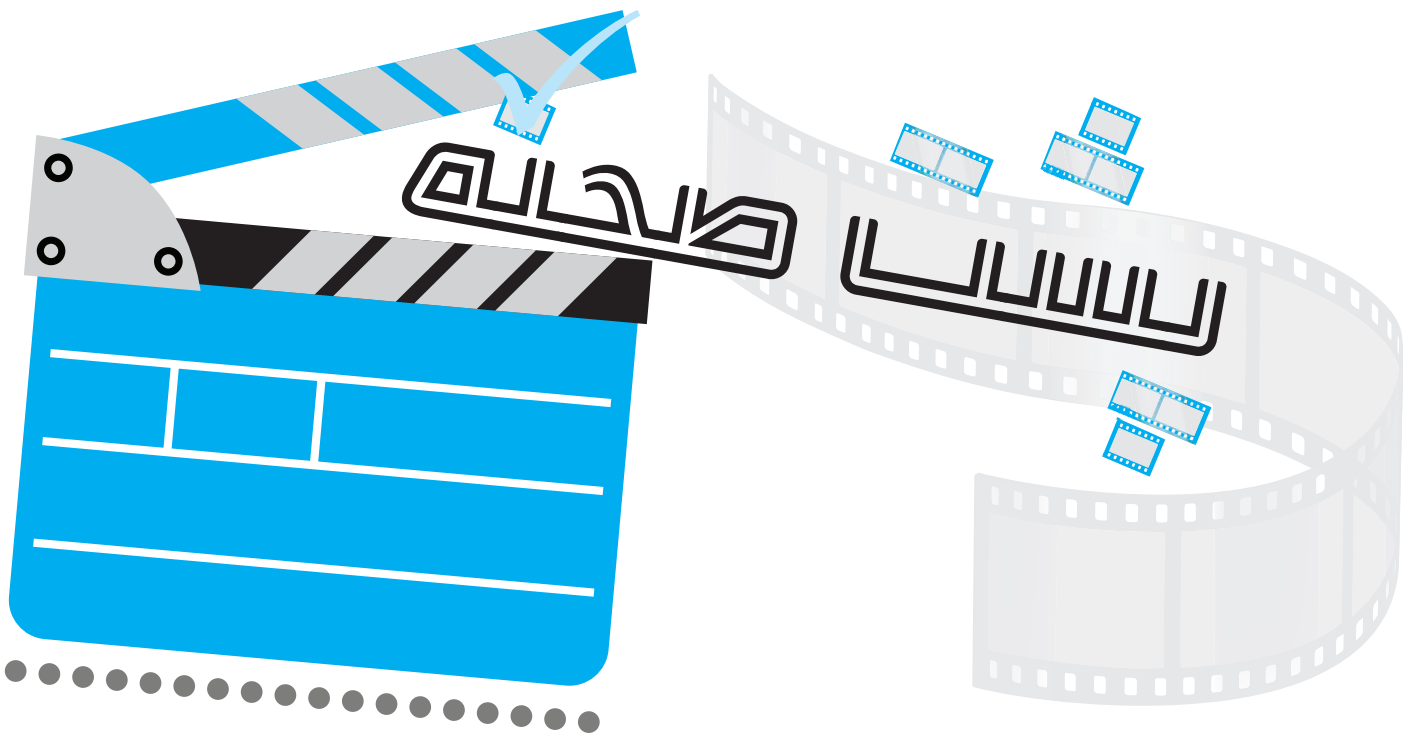
- ۱ معلوم - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: د ب ر) - للغائبة / فعل و مع فاعله جملة فعلية
۲ فعل مضارع - مجهول - مزيد ثلاثي (مصدره على وزن «تفعيل») / فعل و قد حذف فاعله
۳ حروفه الأصلية ثلاثة و له حرفان زائدان - للغائب - معلوم / فعل و فاعله ضمير «ها» المتصل
۴ مضارع - للمخاطب - حروفه كلها أصلية (= مجرد ثلاثي) / فعل و مع فاعله جملة فعلية

۵۲۷. «تتحرك»:

- ۱ فعل مضارع - متعدّد - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ح ر ك) / فعل و مع فاعله جملة فعلية
۲ مزيد ثلاثي (مصدره: تحرك) - للغائبة - مجهول / فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية
۳ مضارع - مزيد ثلاثي (ماضيه: حرك) - للمخاطب / فعل و فاعله «السيارات»
۴ مزيد ثلاثي (ماضيه: تحرك) - لازم - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية

۵۲۸. «الحشرات»:

- ۱ اسم - جمع سالم / فاعل للفعل المذكّر
۲ معرفة - جمع سالم للمؤنث / فاعل للفعل المؤنث
۳ جمع مكسّر - معرّف بأل / مفعول
۴ اسم - معرفة - جمع سالم للمؤنث / مفعول (أو مفعول به)



بررسی گزینه‌ها: (۱) ثلاثی مزید (با یک حرف زائد)؛ بلکه «یشروکا» از باب «افعال» است و یک حرف زائد دارد. (۲) فعل متعدی. بلکه «شیئا» مفعولش است. (۳) مضارع التزامی ترجمه می‌شود. بلکه «آلا» در حقیقت «أن + لا» بوده. حرف «أن» به واسطه «و» روی «یشروکا» هم اثر معنایی می‌گذارد و هم اثر قواعدی. به این معنا که «ن»ش را می‌گیرد ازش و باعث می‌شود مضارع التزامی منفی ترجمه شود. (۴) مجهول و از صیغه جمع مذکر غایب (فعل مجهول که مفعول نمی‌گیرد).

ترجمه متن اول: «بسیاری از ما به کارهای کوچک توجه نمی‌کنند و از اشتباه و غفلتشان هشیار نمی‌شوند مگر پس از اینکه اذیت شوند (بعد از اذیت شدن). به تلافی آنچه درباره آن‌ها رخ داده می‌شتابند اما خب موفق به کاری نمی‌شوند و به نتیجه‌ای نمی‌رسند. این موضوع به این دلیل است که به موضوع فکر نکرده بودند در حالی که برایشان کوچک بوده و شایسته توجه نبوده است. بسیاری از حوادث تلخی که میان دوستان و نزدیکان رخ می‌دهد، غالباً ریشه در دلایل کوچکی دارد که اگر صاحبانشان پیش از آنکه بزرگ شود به حل آن می‌شتافتند، از بین می‌رفت، بدون اینکه اثری در دکان به جا گذارد و یا منجر به شتر بزرگ شود، محو می‌شد. امت هم، مانند فرد است، اگر کارهایش نادیده گرفته شود، کارها و مشکلات کوچک، بزرگ شده و در نتیجه به صفوف امت، اضطراب و نابسامانی نفوذ کرده و دیگران به آن چشم طمع خواهند داشت.»

۴۳۳. گزینه ۱ «ترجمه عبارت سؤال: «کی طمع‌های دشمنان بر ما آشکار می‌شود؟! زمانی که»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) دلایل استحکام صف‌های ملت، ضعیف شود. (۲) ترس و اضطراب بر افراد امت چیره شود. (۳) به کارها توجه نکنیم و در حالی که کوچک‌اند، برای بزرگ کردنشان تلاش نکنیم. (۴) به کارهای کوچک توجه کنیم و به خطاها و غفلت‌ها توجه نکنیم.

توضیح: قسمت آخر متن، در تأیید فرمایشات گزینه «۱» است!

۴۳۴. گزینه ۳ «وظیفه ما در برابر اشتباهات چیست؟!»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) باید تلاش کنیم تا مرتکب اشتباه نشویم. (۲) باید آن‌ها را کوچک بشماریم تا بزرگ و بیشتر نشوند. (۳) تلاش برای محو و جبران‌شان هنگامی که از ما سر می‌زند. (۴) چاره‌اندیشی تا دلایل پیدایش آن‌ها را بیابیم و از آن‌ها دوری کنیم.

توضیح: گزینه «۱» که صورت مسأله را پاک کرده، گزینه «۲» زده به بی‌خیالی و گزینه «۴» زمان اشتباه را نادیده گرفته!

۴۳۵. گزینه ۳ «ترجمه و بررسی گزینه‌ها: (۱) دلیل همه اختلافات، امر کوچک و ناچیزی است. (همه؟! (۲) رفع بدی‌های بزرگ، ساده‌تر از ایجادشان است. (کجای متن این را گفته؟! (۳) اگر اشتباه کوچک، بزرگ شود، امکان اصلاح آن نیست. (بزرگوارانه این گزینه را به‌عنوان صحیح‌ترین قبول می‌کنیم. (۴) دلیل توجه ما به کارهای کوچک، اشتباه و غفلت ماست. (خوب مغالطه کرده!)

۴۳۶. گزینه ۲ «نزدیک‌ترین گزینه به مفهوم متن را خواسته!»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) هرکس بخوابد، زندگی منتظرش نمی‌ماند. (۲) بزرگ‌ترین گناهان، کوچک شماردن گناه است. (۳) برترین بزرگی، کوچک شمردن بدی‌هاست. (۴) بزرگی وقف کسی شده که نمی‌خواهد.

۴۳۷. گزینه ۱ «موارد نادرست سایر گزینه‌ها: (۲) للمخاطب للمغایبه؛ «رخ می‌دهند» غایب است.، له حرف زائد (= مزید ثلاثی) ← دون حرف زائد (= مجرد ثلاثی) (۳) مزید ثلاثی (ماضیه «أحدثت») ← مجرد ثلاثی («حدثت») از باب «افعال» است. (۴) فاعله حوادث و الجملة وصفیة ← فاعل هرگز قبل از فعل نمی‌آید، ضمناً «حدثت» جمله وصفیه نیست.

۴۳۸. گزینه ۳ «موارد نادرست سایر گزینه‌ها: (۱) اسم فاعل ← اسم تفضیل («آخر» اسم فاعل است. (۲) جمع مکتسر (أو تکسیر) ← جمع سالم للمذکر (۴) مفرد: مؤنث ← مفرد: مذکر، نكرة ← معرفة، مبتدأ و الجملة اسمیة ← فاعل و الجملة فعلیة

ترجمه متن دوم: «پس از اینکه مسلمانان ثابت کردند که زمین، کروی (گرد)

است، اشاره کردند که باید در سمت دیگر زمین، جزیره‌هایی آباد وجود داشته باشد که هنوز کشف نشده‌اند.

این نظریه بر این اساس بنا شد که عقلانی نیست که یکی از دو سوی کره، کاملاً کوهستانی باشد، در حالی که سوی دیگر، تماماً آب باشد. این موضوع، برخلاف تعادل و توازن و نظم گردش آن می‌باشد. «بیرونی» اولین کسی بود به این واقعیت اشاره کرد. براساس این نظریه، تلاش‌ها برای کشف سرزمینی که بعدها آمریکا نامیده شده، آغاز گردید.»

۴۳۹. گزینه ۱ «دلیل اعتقاد به وجود جایی به نام آمریکا چه بود؟!»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) توازن و تعادل زمین (۲) کروی (گرد بودن) زمین (۳) چرخش زمین (۴) کوهستانی بودن زمین

۴۴۰. گزینه ۳ «در ابتدا مردم اعتقاد داشتند به»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) وجود جاهایی آباد در دو سوی کره زمین. (۲) توازن زمین و نظم گردش آن. (۳) کوهستانی بودن یک‌سوی از زمین و آبی بودن سوی دیگر. (۴) که زمین کروی است و می‌چرخد.

۴۴۱. گزینه ۴ «اعتقاد به وجود آبادانی در یک‌سوی از زمین سبب می‌شود.»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) اعتقاد شدید به کروی بودن زمین (۲) کشف کشورها و سرزمین‌های ناشناخته (۳) شکل دادن جزیره‌هایی آباد در سوی دیگر. (۴) که معتقد باشیم که زمین حرکت نمی‌کند.

۴۴۲. گزینه ۳ «بیرونی اولین کسی بود که اشاره کرد به»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) وجود کشوری به نام آمریکا در سوی دیگر از زمین. (۲) اینکه زمین به مناطقی آباد نیاز دارد. (۳) شباهت بین دو سوی زمین از نظر کوه و آب. (۴) اینکه شکل زمین نزدیک به دایره است.

۴۴۳. گزینه ۲ «موارد نادرست سایر گزینه‌ها: (۱) دون حرف زائد (= مجرد ثلاثی) ← بزیاده حرفین زائدین (= مزید ثلاثی) (۲) حروفه کلهها أصلیة (= مجرد ثلاثی) ← له حروف زائده (= مزید ثلاثی)، فاعله ← نائب فاعله (۴) للمخاطب للمغایبه

۴۴۴. گزینه ۳ «موارد نادرست سایر گزینه‌ها: (۱) مفرد: مذکر ← مفرد: مؤنث (المحاولة) (۲) جمع تکسیر ← جمع سالم للمؤنث (۴) نكرة ← معرفة، جمع مکتسر ← جمع سالم

۴۴۵. گزینه ۳ «مُنذُ: از زمان»، «مُعجبة: شگفته»، «مِنَ: از»، «عندَ: حین: هنگام»، «طالِب: خواستار»، «الهاوي: طرفدار»

۴۴۶. گزینه ۱ «سؤال مترادف خواسته برای «يُعْتَبَرُ: به‌شمار می‌رود، به‌شمار می‌آید» ترجمه گزینه‌ها: (۱) به‌شمار می‌آید (۲) کشیده می‌شود (۳) فراخوانده می‌شود (۴) کاشته می‌شود

۴۴۷. گزینه ۳ «ترجمه عبارت سؤال: «بی‌نیاز، کسی است که»

ترجمه گزینه‌ها: (۱) توانایی و قدرت دارد. (۲) گاهی به دیگری نیاز دارد. (۳) به هیچ‌کس در کارهایش نیاز ندارد. (۴) به دیگران در کارهایشان کمک می‌کند.

۴۴۸. گزینه ۲ «بررسی گزینه‌ها: (۱) الفرائض مفرد ← الفريضة: واجب دینی (جمع مکتسر) (۲) المقابلات مفرد ← المقابلة: مصاحبه (جمع سالم) (۳) جامعات مفرد ← جامعة: دانشگاه (جمع سالم)، النّوّل مفرد ← الدولة: کشور (جمع مکتسر) (۴) الأدعية مفرد ← الدّعاء: دعا (جمع مکتسر)

۴۴۹. گزینه ۳ «على الله» مقدم شده و «فقط، تنها» در ترجمه زیر سر خودش است (رد گزینه «۴»)، از «ف» ابتدای «ليتوكل» و كسرة آخرش، می‌فهمیم که با فعل امر طرفیم (رد سایر گزینه‌ها)، «افراد مؤمنان» ترجمه درست «المؤمنون» نیست. (رد گزینه «۴»)

۴۵۰. گزینه ۴ «بُعُثَ: فرستاده شد، برانگیخته شد» فعل مجهول است (رد گزینه‌های «۱» و «۳») و «لِيَهْدِي: تا هدایت کند» (رد گزینه‌های «۲» و «۳») حواستان باشد که «هَدَى: هدایت کرد» و «هتدى: هدایت شد».



۴۶۴. **گزینه ۱** ﴿جَزَّ = مَدَّ: كَشَانَد﴾

ترجمه سایر گزینه‌ها: (۲) مردم، خفتگان اند، هرگاه بمیرند، هشیار می شوند. (۳) در گرسنگی به آن‌ها خوراک داد و از ترس ایمنشان کرد. (۴) فهمیدن حقایق دین اسلام و اطلاع از آن‌ها.

۴۶۵. **گزینه ۴** ﴿بررسی گزینه‌ها: (۱) فرانسوی - فارسی - افتخاری - اردو («الفخریة»

وصلة ناجور است. (۲) جشن - روستا - شهر - کشور («الحفلة» چه کار می‌کند این وسط!) (۳) کودکی - جوانی - مدرک - خردسالی («الشهادة» کار را خراب کرده) (۴) هفته - سال - ماه - روز ✓

۴۶۶. **گزینه ۱** ﴿بررسی گزینه‌ها: (۱) کسی که چیزی همانندش نیست. «همتا x» (۲) «به

او طعام داد. «طعام داد ✓» (۳) «کسی که با تو کار می‌کند. «همکار ✓» (۴) «دانشمندی از کشورهای غربی که به فرهنگ شرقی شناخت دارد. «خاورشناس ✓»

۴۶۷. **گزینه ۴** ﴿با «لااجتهاد: تلاش، کوشش» خیلی راحت این تست را حل

می‌کنیم (رد سایر گزینه‌ها) دیگر نکاتش: «لم أدعُ: رها نکردم» (رد گزینه‌های «۱» و «۲»)، «هرگز» در گزینه «۱» اضافی است، «دروسی: درس‌هایم» (رد گزینه‌های «۲» و «۳»)

۴۶۸. **گزینه ۱** ﴿ترجمه کلمات مهم: لا تأكلوا: نخورید، لم یتذکر: برده نشده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) نمی‌برند (برده نشده است؛ اولاً «لم + مضارع: ماضی منفی»، ثانیاً «یتذکر» مجهول است. (۳) «هر» اضافی است، برده نمی‌شود (مانند گزینه «۲») (۴) نمی‌خورید (نخورید؛ «لا تأكلوا» فعل نهی است.)

۴۶۹. **گزینه ۲** ﴿ترجمه کلمات مهم: لا تحمّل: تحمیل نکن، سیخجل: خجالت

خواهد کشید
بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) نباید تحمیل کنی (تحمیل نکن؛ در ترجمه فعل نهی مخاطب از لفظ «نباید» استفاده نمی‌کنیم)، شریک زندگی تو (شریکت در زندگی)، خجالت می‌کشد (خجالت خواهد کشید؛ «س + مضارع: مستقبل»)، «لأنّ» در ترجمه ناپدید شده است. (۳) «اگر» اضافی است، زندگی‌ات (زندگی)، شرمنده می‌شود (مانند گزینه «۱»)، لأنّ (مانند گزینه «۱») (۴) نباید وادار کنی (مانند گزینه «۱»)، رفیق (شریکت)، «فی الحیاة» ترجمه نشده است، شرمنده می‌سازد. (مانند گزینه «۱»)

۴۷۰. **گزینه ۳** ﴿ترجمه کلمات مهم: صدیقتی آتی: دوستم را که، لم تُشفّ: بهبود

نیافته بود، تُمّ: سپس، لیستریخ: تا استراحت کند.
بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) دوستی (دوستم)، معالجه نشده بود (بهبود نیافته بود)، و (سپس)، رفتن (خارج شدن)، «سریعاً» ترجمه نشده است، استراحت کرد (تا استراحت کند؛ «ل + فعل مضارع») (۲) و (مانند گزینه «۱»)، برای راحتی (مانند گزینه «۱») (۴) «همان‌که» اضافی است، شفا نیافته است (بهبود نیافته بود؛ درست است که «لم + مضارع: ماضی منفی» اما چون قبیلش در عبارت فعل ماضی داریم، باید آن را به صورت ماضی بعید ترجمه کنیم)، برای استراحت (مانند گزینه «۱») تذکر، در تست‌های ترجمه به دنبال شاه‌کلیدها باشید. در یک تست ترجمه، فعل کمکتان می‌کند، در یکی ضمیر و ... مهم این است با کدام سریع و دقیق به جواب برسید.

۴۷۱. **گزینه ۳** ﴿ترجمه کلمات مهم: أن تحافظ: که محافظت کنیم، المواهب

الطبیعیة: مواهب طبیعی، تُعدّ: به‌شمار می‌آیند.
بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) طبیعت (طبیعی)، در طول زندگی (برای ادامه زندگی ما)، به‌شمار آمده (به‌شمار می‌آید؛ «تعدّ» مضارع است. (۲) نگهداری می‌کردیم (نگهداری کنیم؛ دلیلی ندارد «تحافظ» به صورت ماضی استمراری ترجمه شود. (۴) طبیعت (طبیعی)، «هستند» اضافی است، طول زندگی (دوام زندگی‌مان)

۴۷۲. **گزینه ۱** ﴿ترجمه کلمات مهم: لا تظلم: ستم نکن، لا تحبّ: دوست نداری، أن

تظلم: مورد ستم قرار بگیری، به تو ظلم (ستم) شود
بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) چرا که (همانطور که)، دوست داری (دوست نداری)، «هم» اضافی است، ظلم نشود (ظلم شود؛ «تظلم» فعل مضارع مثبت است. (۳) ستم نمی‌کنی (ستم نکن؛ «لا تظلم» فعل نهی است. «دوست داری» و

۴۵۱. **گزینه ۱** ﴿چون» در گزینه‌های «۲» و «۴» اضافی است، «در خواب هستند»

معادل «نیام» نیست (رد گزینه «۳»)، «انتبهوا» فعل لازم است (رد گزینه «۳») و «خب گزینه «۴» عبارت عربی را کن فیکون کرده!

۴۵۲. **گزینه ۲** ﴿یکتب» فعل مجهول است ← نوشته شود

۴۵۳. **گزینه ۱** ﴿بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) «انتم» اضافی است، غافر (یغفر؛ «می‌آمرزد»

فعل است. (۳) لم تعلموا (لا تعلمون؛ «نمی‌دانند» مضارع است؛ «لم + مضارع: ماضی منفی»)، الذنب (الذنوب؛ «گناهان» جمع است. (۴) لا تعلمین (لا تعلمون، لا تعلمن؛ «لا تعلمین» از صیغه مفرد مؤنث مخاطب است) غفار (مانند گزینه «۲»)

۴۵۴. **گزینه ۲** ﴿بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) ساعدت (تُساعد؛ «کمک می‌کنند» مضارع

است. «الدروس (دروسهم) (۳) لتُساعد (تُساعد)، طلاباً (الطلاب؛ «دانش‌آموزان» معرفه است. «تعلیم (تعلّم؛ «تعلیم: یاد دادن» (۴) طلاباً (مانند گزینه «۳»)، الدروس (مانند گزینه «۱»)

۴۵۵. **گزینه ۳** ﴿ترجمه عبارت سؤال: «عالم بی‌عمل همانند درخت بدون میوه

است. «گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» به مفهوم عبارت سؤال اشاره دارند به اینکه علم بدون عمل، ده‌شاهی هم نمی‌ارزد اما گزینه «۳» گفته که عالم شدن، نتیجه‌اش این است که انسان، آدم خوبی می‌شود!

۴۵۶. **گزینه ۲** ﴿لمّ» فقط قبل از فعل مضارع می‌آید. «لمّ: چرا، هَلْ: آیا» قبل از

ماضی هم می‌آیند. «ما» بسته به اینکه نفی، موصول یا شرطیه باشد، قبل از فعل ماضی هم می‌آید.

۴۵۷. **گزینه ۲** ﴿در فعل نهی، «لا» ابتدای فعل مضارع می‌آید و آخر فعل تغییراتی

می‌کند: لا تسترجعی: پس نگیر.
بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) إسترجعی: پس بگیر (فعل امر) (۳) لمّ تسترجعی: پس نگرفتی، پس نگرفته‌ای (لمّ + مضارع: ماضی منفی) (۴) لا تسترجعین: پس نمی‌گیری (مضارع منفی)

۴۵۸. **گزینه ۱** ﴿بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) «لا» باعث شده آخر فعل مضارع، ساکن

شود؛ پس فعل نهی داریم ← نباید بازگردد. (۳) لن + مضارع: مستقبل منفی ← شرکت نخواهد کرد. (۴) عادت نکردم

۴۵۹. **گزینه ۱** ﴿«ل» جازه با اسم یا ضمیر همراه می‌شود؛ لأول ← ل + أول:

حرف جز
بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) لیبراجعوا: باید دوره کنند («ل» جازمه یا امر) (۳) لیرحم: تا رحم کند («ل» ناصبه) (۴) لیستقبل: تا به استقبال برویم («ل» ناصبه) می‌بینید که در سایر گزینه‌ها، «ل» به همراه فعل آمده!

۴۶۰. **گزینه ۳** ﴿بررسی گزینه‌ها: (۱) بعد از «لا» اسم آمده که حُبّ ول معطل است!

(۲) بعد از «أن» ناصبه، لای نفی می‌آید: أن لا تتأخّر: که دیر نکنیم (۳) «لا» با فعل آمده و آخرش را هم تغییر داده ← لا تقربا: نزدیک نشوید (۴) «ن» فعل «تُشاهدون» حذف نشده؛ پس «لا» ی نفی داریم ← نمی‌بینید

۴۶۱. **گزینه ۲** ﴿بررسی گزینه‌ها: (۱) «ای مؤمنان، صدقه‌هایتان را با منت گذاشتن،

باطل نکنید. طبق معنا، فعل نهی داریم که آخر فعل را هم تغییر داده! (۲) «أن» ناصبه، «ن» جمع مذکر را حذف می‌کند: أن تجتهدوا: که تلاش کنید (۳) «لمّ» باعث شده آخر فعل، ساکن شود! (۴) کسی کاری به کار «یغفر» ندارد، مثل حالت عادی‌اش آمده!

۴۶۲. **گزینه ۱** ﴿تبدأ: شروع می‌کند» فعل مضارع است و با «لا» منفی می‌شود.

(گاهی فعل مضارع با «ما» هم منفی می‌شود.)

۴۶۳. **گزینه ۲** ﴿«لم + مضارع: ماضی منفی» ← لم یتجنّح: موفق نشد.

بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) لنّ + مضارع: مستقبل منفی ← لن یتوکلا: توکل نخواهند کرد (۳) «تُعْمَل» فعل شرط شده و «خب طبیعتاً به صورت مضارع ترجمه می‌شود: اگر انجام دهیم ... (۴) «یتدفّع» رهسپار می‌شوند» مضارع ترجمه می‌شود. کسی کاری به کارش ندارد!



«ستم نشود» (مانند گزینه ۲) «۴» نباید ظلم کنی (ظلم نکن؛ در ترجمه فعل نهی مخاطب، از لفظ «باید» استفاده نمی‌کنیم.)

۴۷۳. **گزینه ۴** «قالت» ماضی است (رد گزینه ۱) «أمتا: ایمان آورده‌ایم» ماضی است (رد گزینه ۲) «لم + مضارع: ماضی منفی» «لَمْ تُؤْمِنُوا: ایمان نیاورده‌اید» (رد گزینه‌های ۲ و ۳) «قولوا: بگویید» در گزینه‌های ۱ و ۳ «ناپدید شده است و آخر سر اینکه «أسلمنا» ماضی است (رد گزینه‌های ۲ و ۳).

۴۷۴. **گزینه ۳** «لیقرؤوا» فعل امر غایب است باید بخوانند (یقرؤون: می‌خوانند) نکته گزینه ۴ «این است که «لتبحث» فعل امر است و چون بعدش اسم «ال» دار آمده، آخرش برای راحتی تلفظ، کسره (ب) گرفته است.

۴۷۵. **گزینه ۲** «بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) از سبک و سیاق عبارت پیداست که «ل» در «لنعمل» از نوع ناصبه است. ضمناً «حاولنا» ماضی است «برای اینکه عمل کنیم ... تلاش کردیم. ۳) «نعرف» فعل مضارع معلوم از صیغه متکلم مع‌الغیر است «می‌شناسیم ۴) الثقافتی» فرهنگی

۴۷۶. **گزینه ۲** «بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) لِنَصِلُ (لوصول؛ «رسیدن» اسم است.) ۳) الحِصُولُ (الوصول؛ «الحصول: دست یافتن»)، لِنَحَاوُلُ (لنحاول؛ آخر فعل امر، ساکن می‌شود نه اینکه فتحه بگیرد.) ۴) نُحَاوِلُ (لنحاول)

۴۷۷. **گزینه ۳** «بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) لا تسمع (ما سمحت، لم تسمع؛ «اجازه نداد» ماضی است.)، إلی (لج، شجرة الشجرة)، «زیرا» در تعریف نیامده است، تخشی (کانت تخشی؛ «می‌ترسید» ماضی استمراری است.) ۲) إلی (مانند گزینه ۱)، الولد الصغیر (ولدها الصغیر)، تسَلَّقُ (أن يتسلَّق)، خشیت (مانند گزینه ۱)، من وقوعه (أن يسقط) ۴) کانت لا تسمع (مانند گزینه ۱)، إلی (مانند گزینه ۱)، الولد الصغیر (مانند گزینه ۲)، صعود (مانند گزینه ۲)، قد خافت (مانند گزینه ۱)

۴۷۸. **گزینه ۱** «بررسی گزینه‌ها: ۱) پروردگار من را به مدارا کردن با مردم دستور داده است همانطور که من را به انجام واجبات دستور داده است. (شعر فارسی به تغییرناپذیری سرشت آدم‌ها اشاره دارد که به‌کلی با عبارت عربی تفاوت دارد.) ۲) دوستی دانا بهتر از دشمنی نادان است. (شعر فارسی هم عبارت عربی را تأیید کرده) ۳) خرمایم را خوردید و از دستورم نافرمانی کردید. (شعر فارسی هم مفهوم عبارت عربی است) ۴) عالم بی‌عمل مانند درخت بدون میوه است. (واضح است که با هم قرابت معنایی دارند.)

۴۷۹. **گزینه ۳** «بررسی گزینه‌ها: ۱) «لم يعلموا: ندانسته‌اند» «لَمْ» به‌کار رفته چون آخر فعل مضارع را تغییر داده! ضمناً اول عبارت، حرف استفهام «أ: آیا» به‌کار رفته! نمی‌توان بعدش دوباره «لَمْ» چرا! آورد! ۲) «من دوست ندارم کسی را که به مطالعه کتاب‌ها توجه نکرده است.» طبق معنا، «لَمْ» داریم! ۳) «لم تعلمی: ندانسته‌ای» «لَمْ» داریم؛ هم آخر فعل مضارع را تغییر داده و هم قبلیش حرف استفهام آمده. اما و اما، در قسمت آخر عبارت، «لَمْ» داریم: «پس چرا تو نگران هستی؟» ۴) «آن‌ها دانش‌آموزانی هستند که در انجام تکالیف کوتاهی نکرده‌اند.» «لَمْ» داریم! با توجه به معنا نمی‌شود کلمه پرسشی به‌کار برد. حتماً می‌دانید که «لَمْ» زورش نمی‌رسد که به جمع مؤنث دست بزند.

۴۸۰. **گزینه ۳** «بررسی گزینه‌ها: ۱) «تَرَيَنَّ» ماضی باب «تفعل» است و دلیلی ندارد به‌صورت مضارع ترجمه می‌شود «زینت یافت ۲) «أيا انسان ندیدم...» «ما رأی» فعل ماضی منفی است و دلیلی ندارد به‌صورت مضارع ترجمه شود. ۳) «اگر درس‌هایت را با دقت بخوانی، از آن‌ها سود می‌بری.» فعل‌های ماضی را در اسلوب شرط به‌صورت مضارع ترجمه می‌کنیم. ۴) «موفق نشد کسی که به عواقب کارش نگاه نکرد.» «لَمْ» مضارع: ماضی منفی

۴۸۱. **گزینه ۲** «برای اینکه بفهمیم، کدام «ل» به‌کار رفته باید ترجمه کنیم. ترجمه گزینه‌ها: ۱) «انسان باید بداند که» «ل» امر داریم. ۲) «برای اینکه خودم را از خشم دور کنم، بسیار تلاش کردم.» می‌بینید که با توجه به معنا، «ل» ناصبه داریم. نمی‌توانیم به‌صورت امر ترجمه کنیم. ۳) «باید تلاش را

سرلوحه کارم قرار دهم تا به هدفم برسم.» «ل» ناصبه داریم. کلاً وقتی دو تا فعل داشته باشیم، غالباً «ل» ناصبه داریم. ۴) «باید از مشورت با هر دلسوز نادانی دوری کنیم.» چاره‌ای نداریم جز اینکه به‌صورت امر ترجمه کنیم.

۴۸۲. **گزینه ۴** «در حد کتاب یازدهم در چند حالت فعل مضارع به‌صورت التزامی ترجمه می‌شود:

۱- بعد از «ل» به معنای «برای اینکه، تا» و «ل» امر.

۲- بعد از حروف «أَنْ، حَتَّى، لِكِي، كِي»

۳- فعل شرط

۴- فعل نهی غایب و متکلم

بررسی گزینه‌ها: ۱) «ل» در «لیتوکل» از نوع امر است و فعل معنای مضارع التزامی می‌دهد «لیتوکل» باید توکل کند (آخر فعل در عبارت کسره گرفته چون کلمه بعدش «ال» دارد. از همان کسره می‌شود فهمید فعل، امر است.) ۲) با اسلوب شرط روبه‌رویم: «هرچه از خیر پنهانی انجام دهید (تفعلن)، خداوند نسبت به آن آگاه است.» ۳) «حَتَّى + مضارع» «حَتَّى يُعْطِيكَ: تا به تو عطا کند» ۴) «أی پسرکم؛ صحبت نکن از چیزی که از تکذیبش می‌ترسی.» «لا تُحَدِّث» فعل نهی و مخاطب و «تخاف» فعل مضارع معمولی است و دلیلی ندارد به‌صورت التزامی ترجمه شود.

۴۸۳. **گزینه ۳** «سه نوع «ل» داریم:

۱- «ل» جازه (حرف جرّ) که با اسم همراه می‌شود.

۲- «ل» که معنای «تا، برای اینکه» می‌دهد و «ل» حذف «ن» ظاهر فعل مضارع را این‌گونه تغییر می‌دهند: (به‌جز جمع مؤنث

این نوع «ل» بر سر همه صیغه‌های فعل مضارع می‌آید.

۳- «ل» امر که معنای «باید» می‌دهد و با صیغه‌های غایب و متکلم فعل مضارع همراه می‌شود.

ظاهر فعل مضارع را این‌گونه تغییر می‌دهند: (حذف «ن» (به‌جز جمع مؤنث

برای تشخیص مورد «۲» و «۳» بهترین راه توجه به نشانه‌های عبارت و ترجمه است. **بررسی گزینه‌ها: ۱) «ل»** فقط باید به‌صورت امر باشد تا عبارت معنا دهد: «زنان مؤمن باید در حالی که صبور و خوش‌بین‌اند، با مشکلات روزگار روبه‌رو شوند.» ۲) وقتی قبل از «ل» حرف «ف» را دیدید، شک نکنید با نوع امرش مواجهید. در این صورت خود «ل» ساکن می‌شود: «گفته می‌شود که فرصت‌ها همانند گذر ابرها در گذرند، پس باید آن‌ها را غنیمت بشماریم.» ۳) سبک و سیاق عبارت جوری است که «ل» در «لتصلي» را فقط می‌توانیم به‌صورت «برای اینکه» ترجمه کنیم. البته البته! چون با صیغه مخاطب (مفرد مؤنث مخاطب) سروکار داریم، پس می‌توانیم بگوییم «ل» از نوع امر نیست؛ چون طرز ساخت فعل امر از فعل‌های مخاطب اصلاً جور دیگری است: «برای اینکه سریع‌تر به مشهد برسی، باید با هواپیما سفر کنی.» ۴) هم ظاهر فعل «یساعدوا» و هم معنای عبارت این را به ما می‌گویند که «لیساعدوا» فعل امر است: «باید به ستم‌دیدگان جهان کمک کنند تا از دست ستم رهایی یابند.»

۴۸۴. **گزینه ۱** «صورت سؤال‌ها در نظام جدید خیلی خیلی مهم شده‌اند. گاهی خود سؤال و گزینه‌ها ساده‌اند اما فهمیدن صورت سؤال چندان هم ساده نیست. این سؤال فعل امر را خواسته!

بررسی گزینه‌ها: ۱) چون «ن» از فعل «یذهبوا» حذف شده و معنای عبارت هم به دستور دادن می‌خورد، نتیجه می‌گیریم که «لیذهبوا» فعل امر است: «باید به مدرسه بروند.» ۲) درست است که «ن» از فعل «یذهبوا» حذف شده اما سیاق عبارت بیانگر این است که «ل» ناصبه به‌کار رفته: «برخواستند تا به مدرسه بروند.» ۳) این گزینه فعل امر یا معنای دستوری ندارد: «میل خودشان است چه به مدرسه بروند چه در آن بمانند.» ۴) ضمیر «هم» نشان می‌دهد که «اجتمعوا» ماضی (اجتمعوا) است: «آن‌ها جمع شدند که به مدرسه بروند قبل از دست رفتن فرصت.»
توجه: «اجتمعوا» می‌تواند فعل امر هم باشد؛ اگر سیاق عبارت این موضوع را

۲- ترجمه درست واژگان: الف)

یحدث ← رخ می دهد، اتفاق می افتد (✓)
می گذرد (x)

رد گزینه های «۱» و «۳»

ب) المستقبل ← آینده (✓)
بعداً (x)

رد گزینه «۴»

ج) «أصبح، يُصبحُ، شد، می شود»، حرف «لکي» روی «لا نصیح» تأثیر می گذارد و این فعل به صورت مضارع التزامی منفی ترجمه می شود:

لا نصیح ← نشویم (✓)
نیاشیم، دچار نشویم (x)

رد سایر گزینه ها

۲- فعل نباید به صورت اسم ترجمه شود:

حتى تلتذ ← تالذت بریم (✓)
تا با لذت بردن (x)

رد گزینه «۳»

۴۹۲. گزینه ۲ «ب» در «بقوم» معنای «در» می دهد (رد سایر گزینه ها)، «لا یغیر» فعل مضارع منفی است (رد گزینه های «۳» و «۴»)، «ابتدا، نخست» در گزینه های «۳» و «۴» اضافی است و «یغیروا» فعل معلوم است. (رد گزینه «۱»)

۴۹۳. گزینه ۲ «بررسی سایر گزینه ها، ۱» «شکلوا» فعل متعدی و معلوم و «فریقاً» مفعولش است ← تشکیل دادند. ضمناً «چیزی» هم اضافی است. ۳) و لا تراجع ترجمتها ← و به ترجمه شان مراجعه نمی کند. ۴) «لم» تغییری در ظاهر فعل «تتحدثون» ایجاد نکرده؛ پس «لم» داریم ← چرا حرف می زنید ...

۴۹۴. گزینه ۴ «لم + مضارع: ماضی منفی» ← لم یکن له: برای او نبوده است.

۴۹۵. گزینه ۲ «بررسی سایر گزینه ها، ۱» «لا یحزن» فعل نهی است. آخرش را می بینید که تغییر کرده؟! ← نباید ناراحت کند. ۳) یبسط ← می گستراند ۴) «یخسن» فعل مجهول است ← نیکی شود

۴۹۶. گزینه ۱ «بررسی سایر گزینه ها، ۲» «لم + مضارع: ماضی منفی» ← لم یطالعن ← مطالعه نکرده اند ۳) از سبک و سیاق عبارت پیداست که «ل» در «لأقرب» از نوع ناصبه است: «برای اینکه به خداوند نزدیک شوم، از گناهان بزرگ دوری می کنم.» ۴) «لا تسمع» فعل نهی از صیغه مفرد مذکر مخاطب است ← اجازه نده

ظاهر فعل ها در ترجمه شان به ما خیلی کمک می کند.

۴۹۷. گزینه ۱ «بررسی سایر گزینه ها، ۲» اسلوب ندا نداریم که «لا تتكاسل» را فعل نهی در نظر بگیریم. «لا تتكاسل» در این گزینه مضارع منفی است ← تنبلی نمی کند. ۳) «شاهد» فعل مفرد مذکر غایب ماضی و «الطلاب» فاعلش است ← دانش آموزان نمراتشان را در کلاس نگاه کردند در حالی که موفق بودند. ۴) «صادق» فعل امر از صیغه مفرد مذکر مخاطب و «الذي» مفعولش است ← دوستی کن با کسی که به تو دلسوزی می کند در حالی که تو در غفلت هستی.

۴۹۸. گزینه ۴ «بررسی سایر گزینه ها، ۱» «لتعتمد» فعل امر است ← باید تکیه کند. ۲) «بسیاری از چیزها را می دانیم اما آن ها در خاطرمان نیستند.» تفاوت های ترجمه ای را ببینید! ۳) «الأُسرة» مفرد است ← خانواده، «مؤثرة» اسم است ← تأثیرگذار

۴۹۹. گزینه ۴ «س + مضارع: مستقبل» ← «سعی» خواهد داد» همچنین «بذلها: به جای آن» ترجمه نشده است.

۵۰۰. گزینه ۴ «موارد نادرست سایر گزینه ها، ۱» «إتاء» اضافی است، الأعداء (العدو؛

نشان دهد یا حرکت عین الفعلش کسره (ب) باشد ← اجتمعوا: جمع شوید.

۴۸۵. گزینه ۱ «شکل ظاهری فعل مضارع تغییر می کند اگر:

۱- بعد از ادوات شرط (إن - من - ما) بیاید.

۲- بعد از حروف ناصبه (أن - لی - لکی - حتی - لن) بیاید.

۳- بعد از حروف جازمه (ل - امر) - لا (نهی) - لم (بیاید. تغییراتش هم به این شکل است:

حذف «ن» ← به جز جمع مؤنث

بعد از ادوات شرط و حروف جازمه: حذف «ن» ← به جز جمع مؤنث

بررسی گزینه ها، ۱) «همکلاسی هایم را ناامید دیدم؛ پس به آن ها گفتم: از رحمت خداوند ناامید نباشید.» طبق معنا باید فعل نهی به کار رود و «لا»ی نهی باعث می شود «ن» فعل مضارع حذف شود ← لا تیأسوا ۲) «با دوستانم صحبت کردم تا بدانند چگونه می توانند که در برنامه هایشان موفق شوند.» «ل» و «أن» ناصبه باعث شده اند «ن» در «یعلمو» و «ینجحوا» حذف شود. ۳) «آن ها از خانه شان خارج شدند تا به مدرسه بروند و شما تا الآن خارج نشده اید.» «ل» ناصبه و «لم» باعث شدند «ن» در «یذهبوا» و «یخرجوا» حذف شود. ۴) «آن ها از خانه شان خارج شدند تا به مدرسه بروند و شما تا الآن خارج نشده اید.» حروف «کی» و «لم» در ظاهر فعل های «یذهبن» و «تخرجن» اثر نگذاشته اند؛ چون این فعل ها از صیغه جمع مؤنث اند.

۴۸۶. گزینه ۳ «بررسی گزینه ها، ۱» کسی که برای مدتی طولانی غذا نخورده است. (گرسنه ✓) ۲) ارزش های مشترک میان گروهی از مردم (فرهنگ ✓) ۳) مرگ در راه حق (مدرک x) واژه صحیح «لاستشهاد: شهید شدن» است. ۴) کسی که شخصی یا چیزی را بسیار دوست دارد. (شیفته ✓)

۴۸۷. گزینه ۳ «بررسی گزینه ها، ۱» اشاره کرد دانشمند فرانسوی به تمدن قدیمی ایران. ۲) یکی از استادانمان دست یافت به دکترای افتخاری از جامعه ای بین المللی. ۳) دوست می داشتم شعر را از طریق کودکی ام و سخنرانی حافظ بودم. x (واژگان صحیح به ترتیب «مُتذِّد: از زمان» و «مُعجَبَة: شیفته» است. ۴) به شمار می آورند تعدادی از خاورشناسان مهمانی با غذاهایی فراوان را جزئی از فرهنگ ایران. ✓

۴۸۸. گزینه ۱ «ترجمه عبارت سؤال، ۱» «دوستم نزدیک به پنج سال در دانشگاه هاروارد درس خواند.» دوستم در دانشگاه هاروارد درس خواند» ترجمه گزینه ها، ۱) حدود پنج سال ۲) بسیار بیشتر از پنج سال ۳) بسیار کمتر از پنج سال ۴) دقیقاً پنج سال

۴۸۹. گزینه ۲ «ترجمه کلمات موه، یعبدوا: باید بپرستند، أطلعهم: خوراک داد، آمنهم من خوف: از ترس ایمنشان کرد.

بررسی سایر گزینه ها، ۱) بپرستند (باید بپرستند؛ «لیعبدوا» فعل امر است. چون قبل از «ل»، حرف «ف» آمده، قطعاً از نوع امر است.)، در ترس به او ایمان آوردند (از ترس ایمنشان ساخت) ۳) می پرستند (مانند گزینه «۱»)، نجاتشان داد (خوراکشان داد)، از ترس به او ایمان آوردند (مانند گزینه «۱») ۴) نجاتشان داد (مانند گزینه «۳») از ترس به او ایمان آوردند (مانند گزینه «۱»)

۴۹۰. گزینه ۴ «هن: از» در گزینه های «۱» و «۲» ترجمه نشده است، «مستشرقی» در اصل «مستشرقین» بوده که چون مضاف شده نونی برایش نمانده؛ باید جمع ترجمه شود. (رد گزینه های «۱» و «۲»)، «محاضراتها العلمیة: سخنرانی های علمی خود» ترکیب وصفی - اضافی است (رد سایر گزینه ها) و «عالمیة» صفت «لغات» است نه مجرور به حرف جز (رد گزینه «۳»)

۴۹۱. گزینه ۲ «۱- ترجمه و ساختار فعل ها: «لنکن» فعل امر متکلم مع الغیر و به معنای «باید باشیم» است (رد سایر گزینه ها)



۵۱۰. **گزینۀ ۳** ﴿لَمْ﴾ اگر بخواهد مفهوم «داشتن» را برساند اولاً باید با اسم همراه شود، ثانیاً معنای مالکیت را برساند.

بررسی گزینۀ ۱ «کشاورز برای طلب روزی برای خانواده‌اش خارج می‌شود.» درست است که «لَمْ» با اسم همراه شده اما معنای مالکیت را نمی‌رساند. (۲) «لَمْ» با فعل همراه شده: لَتَفْهِمُوا: تا بفهمید (۳) «در مدرسه ما دانش‌آموزی هست که حافظه‌ای قوی دارد ...» «لَمْ» با اسم (ضمیر «ه») همراه شده و معنای مالکیت را نمی‌رساند. (۴) «لَمْ» با فعل همراه شده **﴿لِيَهْدِي﴾** تا هدایت کند

۵۱۱. **گزینۀ ۱** **ترجمۀ عبارت سؤال:** «دو برادرم تحصیل را در مراحل بالا اما خواهرم آن را»

ترجمه و بررسی گزینۀ ۱ «ادامه ندادند - ادامه داد» هم از لحاظ معنایی با عبارت جور درمی‌آید و هم اینکه صیغۀ فعل‌ها با اسم‌ها همخوانی دارد. «أخوای» در اصل «أخوان + ی» بوده «أخوان» مناسبت و «أخت» هم مفرد مؤنث است. (۲) «ادامه نخواهند داد - ادامه نمی‌دهد» فعل دوم هم از لحاظ معنایی با عبارت جور درمی‌آید و هم اینکه از صیغۀ مذکر غایب است. (۳) «ادامه ندادند - ادامه نداد» فعل دوم از نظر معنا با عبارت جور درمی‌آید. (۴) «ادامه نمی‌دهند - ادامه نخواهد داد» فعل دوم از نظر معنا با عبارت جور درمی‌آید.

۵۱۲. **گزینۀ ۱** **بررسی گزینۀ ۱** از کسرۀ آخر «لیعتمد» می‌فهمیم که «لَمْ» امر به‌کار رفته. چون بعدش اسم «ال» دار آمده، آخرش کسرۀ گرفته تا راحت‌تر خوانده شود **﴿باید تکیه کند. می‌دانید که در ترجمۀ فعل‌های امر غایب و متکلم از «باید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.﴾** (۲) «لَا يَنْجُحُ» موفق نمی‌شود؛ فعل مضارع منفی است و به‌صورت اخباری ترجمه می‌شود. (۳) «لَمْ + مضارع: ماضی منفی» **﴿لَمْ أَفْهَمْ﴾** نفهمیدم (۴) لا تتقدّمان **﴿بیشترت نمی‌کنید (نمی‌کنند)﴾**

۵۱۳. **گزینۀ ۲** **بررسی گزینۀ ۱** «باید مشورت کنم با کسی که برای من بهترین کارها را می‌خواهد.» فعل امر متکلم داریم **﴿باید + مضارع التزامی.﴾** (۲) «هیچ‌کس از ما نمی‌داند که در آینده چه برایش رخ می‌دهد.» دلیلی ندارد «یعرّف، یحدّث» به‌صورت التزامی ترجمه شوند. (۳) «برای اینکه در جایی آرام درس بخوانم، به کتابخانه رفتم.» «لَمْ» ناصبه + مضارع **﴿باید + مضارع التزامی﴾** (۴) «قرار گذاشتیم که در تعطیلات نوروز به سفر نرویم.» **﴿لَمْ نَسافِرْ = آن + لا + نَسافِرْ﴾** «آن + مضارع: مضارع التزامی»

۵۱۴. **گزینۀ ۴** **بررسی گزینۀ ۱** «لَا نَسْتَمِعُ: نباید گوش فرادهم» فعل نهی از صیغۀ متکلم مع‌الغیر است، درست! اما بر وزن «فُعْلِل» و از باب «افتعال» است؛ ضمن اینکه قبلاً گفتیم که فعل نهی غایب و متکلم معنای مضارع التزامی می‌دهند. (۲) «لَا تَغْتَرَّوا» فعل نهی جمع مذكر مخاطب از باب «افتعال» است: «عَرَزَ» بر وزن «فُعْلَل» **﴿إِغْتَرَّ﴾** مضارع **﴿يَغْتَرُّ﴾** جمع مذكر مخاطب **﴿تَغْتَرُّونَ﴾** نهی **﴿لَا تَغْتَرَّوا﴾** (۳) «این کار جایگاهش را در دانشگاه‌های اسلامی بالا می‌برد.» دلیلی ندارد فعل «یرفع» به‌صورت التزامی ترجمه شود؛ ضمن اینکه این فعل ثلاثی مجرد است. (۴) «من دعاها را به زبان عربی می‌خوانم و به ترجمه‌شان مراجعه نمی‌کنم.» هم از ظاهر فعل (داشتن «تُ» در آخرش) و هم از سیاق عبارت پیوسته است که «لَا أُرَاجِعُ» فعل مضارع منفی است. حتماً می‌دانید که این فعل از باب «مفاعلة» است: «رَاجَعُ، يُرَاجِعُ، مُرَاجَعَةٌ»

ترجمۀ متن اول: «در آفریده‌های پروردگار بخشاینده‌مان جلوه‌هایی از زیبایی، سود و حکمت وجود دارد. در میانه صحرا، گاهی مناطقی دیده می‌شود که در آن گیاهان و درختانی وجود دارند که تغذیه‌شان به‌وسیله چشمه‌های متعدّد و چاه‌ها است. از جمله این درختان، درختان میوه‌داری همانند نخل است. در بعضی از مناطق صحرایی بعد از باران‌های شدید، انواع فراوانی از گل‌های زیبا پدیدار می‌شوند. عمر این گل‌ها نهایتاً به شش یا هشت هفته می‌رسد. همچنین برخی گیاهان کم‌برگ در آنجا یافت می‌شوند تا به‌وسیله تخییر فقط کمی از آب را از دست بدهند. برخی از گیاهان صحرایی، ریشه‌شان در دل زمین است، در عمقی بیش از ۵۰ متر، به همین دلیل است که می‌توانند مدتی طولانی زندگی کنند. می‌توان محصولات کشاورزی را به‌واسطه قنات‌ها یا لوله‌ها در قسمتی از صحرا مخصوصاً اطرافش کاشت.»

«دشمن» مفرد است.، یؤثروا (یؤثرون) (۲) لن نسمح (ما سمحنا، لم نسمح، يتأثروا) (یؤثروا) تحت تأثیر قرار بگیرد. «یؤثروا: تأثیر بگذارد»، شبابنا (الشباب) (۳) «نحن» اضافی است، للتأثیر (أن یؤثروا)

۵۰۱. **گزینۀ ۳** «تلاش کنید» فعل امر مخاطب است. برای ساختن فعل امر مخاطب به «لَمْ» نیازی نداریم **﴿حاولوا﴾** تلاش کنید

۵۰۲. **گزینۀ ۳** «الامتحانات» مصدر باب «افتعال» صحیح است. «الامتحانات»؛ ضمناً «تساعد» مضارع باب «مفاعلة» است **﴿تساعد﴾** **ترجمه:** «امتحانات به دانش‌آموزان مدارس برای یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کند»

۵۰۳. **گزینۀ ۴** «یتعاشوا» از باب «تفاعل» و بر وزن «یتفعلون» صحیح است **﴿یتعاشوا﴾** ضمناً «تعایش» که مصدر باب «تفاعل» است **﴿تعایشاً﴾**

۵۰۴. **گزینۀ ۳** «محاضرات» مصدر باب «مفاعلة» است **﴿محاضرات﴾** ضمناً «الفارسیّة» صحیح است.

۵۰۵. **گزینۀ ۱** «التفاهم» مصدر باب «تفاعل» است **﴿التفاهم﴾**

۵۰۶. **گزینۀ ۲** «المستشرق» اسم فاعل (مُـ ی) است **﴿المستشرق﴾** ضمناً «تأثر» مصدر باب «تفعل» است **﴿تأثروا﴾**

۵۰۷. **گزینۀ ۴** صورت سؤال به فعل نهی اشاره دارد. در گزینۀ‌های «۱» و «۲» بعد از «لا» اسم آمده (نجاح، فوز، جهد، حيلة) و طبیعتاً فعل نهی نداریم. در گزینۀ «۳»، هم با توجه به ظاهر فعل مضارع (حذف شدن «ن») و هم با توجه به معنا، فعل مضارع منفی داریم: «با سخنانتان به آرزوهایتان نمی‌رسید؛ زیرا همت دوی شماست.» اما در گزینۀ «۴»، حذف شدن «ن» از «لا تغتروا» و معنای عبارت نشان می‌دهند که با فعل نهی طرفیم: «فرب چیززی راکه دارید، نخورید، شاید در یک آن از دست برود.»

۵۰۸. **گزینۀ ۲** یک نوع «لَمْ» داریم که همراه فعل مضارع می‌آید، به همراه هم معنای ماضی (ساده، نقلی) منفی می‌دهند

و ظاهر فعل مضارع را این‌گونه تغییر می‌دهد: **﴿حذف «ن﴾**
به‌جز جمع مؤنث

که «لَمْ» نوشته و خوانده می‌شود. یک نوع «لَمْ» دیگر هم داریم که مخفّف «لَمَذا» و به معنای «چرا» است که «لَمْ» نوشته و خوانده می‌شود. بعدش فعل ماضی و مضارع و اسم می‌آید و فعل مضارع بعدش هم بی‌تغییر می‌ماند. باز هم بهترین راه برای تشخیص، توجه به ترجمۀ عبارت است.

بررسی گزینۀ ۱ «این مرد، بنده درستی است و نزدیکانش را هنگام مشکلات رها نکرده است.» «لَمْ» داریم. (۲) «روزهای امتحانات نزدیک‌اند؛ پس چرا درس‌هایت را مطالعه نمی‌کنی؟» ترجمه که داد می‌زند کلمۀ پرسشی «لَمْ» را داریم. از نظر قواعدی هم، بعد از «لَمْ» فعل مضارع منفی نخواهید دید! (۳) «بسیاری از معجزه‌ها در طبیعت تاکنون کشف نشده‌اند.» «لَمْ» داریم که با فعل «تکتشف» معنای ماضی منفی داده است. (۴) «آن دانش‌آموز درس را به‌خوبی نفهمید.» با «لَمْ» طرفیم که همراه فعل مضارع بعدش، معنای ماضی منفی می‌دهد. عبارت معنی نمی‌دهد اگر «لَمْ» را «لَمْ» حساب کنیم!

۵۰۹. **گزینۀ ۳** **بررسی گزینۀ ۱** «طَلَبَ، صَبَرَ» در اسلوب شرط قرار گرفته‌اند و زمانشان به مضارع تغییر می‌کند: «هرکس بزرگی را بخواهد، بر سختی‌ها در راه آن صبر می‌کند.» (۲) «لَمْ» به اضافه فعل «تأتی» شده که به‌دلایلی «ی»‌اش را حذف کرده و خب در اسلوب شرط قرار گرفته که معنای مضارع می‌دهد: «اگر نیایی ...» (۳) «تجتهدان» بدون هیچ مزاحمی آمده و معنای خودش را می‌دهد: «شما برای هدف‌تان تلاش می‌کنید ...» (۴) در این گزینۀ «لَمْ» داریم. به دو دلیل می‌فهمیم این را: الف) قبلش «لَمَذا: چرا» آمده و دیگر نمی‌تواند «لَمْ» چرا» بیاید. ب) معنای جمله: «چرا به‌خوبی درست نخواندی ...» «لَمْ + مضارع: ماضی منفی»



۵۲۲. **گزینه ۲** براساس متن

ترمه و بررسی گزینه‌ها: (۱) برخورد نکردن خورشید و ماه با یکدیگر، نتیجه حرکت اجرام آسمانی است. (متن که چنین چیزی نگفته!) (۲) گاهی اوقات شکار راهی را انتخاب می‌کند که شکارچی مشخص کرده است. (دقیقاً به همان قضیه تارهای عنکبوت که مثل رادار کار می‌کنند، اشاره دارد.) (۳) تار عنکبوت همیشه منتظر آمدن حشره است تا آن را شکار کرده و بخورد. (متن گفته تار عنکبوت سازوکارش است در این جور موارد و منتظر نمی‌ماند!) (۴) دانشمندان به ساختن شکل رادار براساس شکل تارهای عنکبوت اقدام کردند. (نه؛ دانشمندان سازوکار رادارها را براساس تارهای عنکبوت تغییر دادند.)

۵۲۳. **گزینه ۳** **ترمه عبارت سؤال:** «دانشمندان به‌تازگی توانستند راداری را بسازند که را مشخص می‌کند.»

ترمه گزینه‌ها: (۱) مکان هدف خواسته‌شده را با دقت (۲) زمان حرکت شیء و نوع و چگونگی‌اش (۳) مسیر حرکت هدف همان‌گونه که مدنظر است. (۴) هدف در نهایت دقت و سرعت

توضیح: «دانشمندان با توجه سازوکار تارهای عنکبوت، مسیر حرکت هدف را به‌وسیله رادارهای جدید تعیین کردند.»

۵۲۴. **گزینه ۳** **ترمه عبارت سؤال:** «هریک در مداری شناور و در گردش‌اند.» منظور از آیه کریمه است.

ترمه گزینه‌ها: (۱) فراوانی مخلوقات و اجرام آسمانی (۲) عبادت موجودات و تسبیح گفتنشان در آسمان‌ها (۳) حرکت اجرام آسمانی و گردششان در مدارهای ثابت و مشخص (۴) مشغول بودن افلاک آسمانی به ستایش پیرامون اجرام آسمانی

۵۲۵. **گزینه ۴** نزدیک‌ترین مفهوم به متن است.
ترمه گزینه‌ها: (۱) کارها نزد خداوند محشور می‌شوند. (بازمی‌گردند.) (۲) در هر حادثه‌ای به خداوند اطمینان داشته باش. (۳) سپاسگزاری جوان از خداوند به قدر نعمتش است. (۴) کارهای جهان به فرمان خردمندی در جریان می‌باشد. واضح است که گزینه «۴» نزدیک‌ترین مفهوم به متن را بیان کرده!

۵۲۶. **گزینه ۱** **موارد نادرست سایر گزینه‌ها:** (۲) مجهول ← معلوم، قد حذف فاعله ← مع فاعله جمله فعلیه (۳) ماضیه «تدبر» ← ماضیه: «دبر»، فاعله ضمیر «ها» المتصل (ضمیر «ها» مفعولش است.) (۴) للمخاطب ← للغائبه، حروفه کَلْبًا أصليّة = مجرد ثلاثي - له ثلاثة حروف أصليّة و حرف زائد = مزید ثلاثي

۵۲۷. **گزینه ۴** **موارد نادرست سایر گزینه‌ها:** (۱) متعدّ ← لازم (۲) مجهول ← معلوم، نائب فاعله ← فاعله (۳) ماضیه: حرك ← ماضیه: تحرك، للمخاطب ← للغائبه، فاعله «الستارات» (فاعل قبل از فعل نمی‌آید.)

۵۲۸. **گزینه ۲** **موارد نادرست سایر گزینه‌ها:** (۱) للفعل المذکر ← للفعل المؤنث (۳) جمع مكثر ← جمع سالم، مفعول ← فاعل (۴) مفعول ← فاعل

۵۲۹. **گزینه ۱** **المفردات:** واژگان، کلمات و «مُتَدِّ: از زمان!»

۵۳۰. **گزینه ۲** متضاد «ازداد: زیاد شد» را خواسته!

ترمه گزینه‌ها: (۱) شدت گرفت (۲) کم شد (۳) زیاد شد، زیاد کرد (۴) زیاد شد

۵۳۱. **گزینه ۴** **ترمه عبارت سؤال:** «عطری است که از نوعی از آهوها گرفته می‌شود.» عبارت واژه را توصیف می‌کند.

ترمه گزینه‌ها: (۱) بال (۲) ابریشم (۳) پارچه (۴) مشک

۵۳۲. **گزینه ۳** «کان + مضارع: ماضی استمراری» ← «كَانَ يَأْمُرُ: دستور می‌داد، امر می‌کرد» (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)، «الصلاة: نماز، الزكاة: زکات» (رد گزینه‌های «۱» و «۲») و ضمیر «ه» در گزینه «۱» ترجمه نشده است؛ ضمیرها!

۵۳۳. **گزینه ۱** «لا يَبْأَسُ» فعل مضارع منفی است نه نهي (رد گزینه «۲») و نه ماضی (رد گزینه «۴») ولی خب چون «إِلَّا» داریم، می‌توانیم فعل را مثبت و «إِلَّا» را «فقط، تنها» ترجمه کنیم. «زوج الله» ترکیب اضافی است نه وصفی (رد گزینه «۳») و اینکه «القوم الكافرون» گروه اسمی است نه جمله (رد گزینه «۳»)

۵۳۴. **گزینه ۴** «ألسنة: زبان‌ها» و «قلوب: دل‌ها» جمع‌اند نه مفرد (رد گزینه «۱»؛ توجه به تعداد اسم‌ها)، «ألسنة» در گزینه «۳» درست ترجمه نشده است، و «لبس: نیست» در گزینه‌های «۲» و «۳» درست ترجمه نشده است!

۵۱۵. **گزینه ۱** **ترمه گزینه‌ها:** (۱) صحرا خشک است و هیچ چشمه‌ای در آن نیست. (۲) همه درختان زندگی می‌کنند حتی اگر برگ‌های کمی داشته باشند. (۳) درختانی که برگ‌های زیادی دارند به آب بیشتری احتیاج دارند. (۴) در صحرا بعضی از درختان وجود دارند که ریشه‌شان در دل زمین است. **توضیح:** گزینه «۱» آشکارا غلط است؛ چون خود متن گفته که برخی از درختان در صحرا به‌وسیله آب چشمه‌ها سیراب می‌شوند

۵۱۶. **گزینه ۴** **ترمه و بررسی گزینه‌ها:** (۱) برخی از درختان صحرایی هیچ فایده‌ای ندارند. (متن که این را نگفته!) (۲) در صحرا درختانی که برگ‌های فراوانی داشته باشند وجود ندارد. (درست است که متن گفته برخی‌شان برگ‌های کمی دارند اما نگفته که درختان پربرگ اصلاً در صحرا وجود ندارند!) (۳) زندگی همه درختان صحرایی از اراده انسان خارج است. (آخ! آخ! آخ! کلمه آخر متن را می‌بینید: «الأنابيب: لوله‌ها! خب لوله‌ها کار انسان‌اند دیگر!» (۴) آبی که در دل زمین است ناگزیر برای درختان صحرایی محسوب می‌شود. (به‌عنوان صحیح‌ترین گزینه می‌پذیریم!)

۵۱۷. **گزینه ۲** **ترمه عبارت سؤال:** «درختان در صحرا مدتی طولانی زندگی می‌کنند؛ چون ... فقط دقت کنید که گزینه نادرست را خواسته.

ترمه گزینه‌ها: (۱) بعضی‌هاشان از دل زمین حتی در کمتر از ۷۰ متر آب می‌نوشند. (۲) خداوند متعال در بیشتر فصل‌ها بر آن‌ها باران نازل می‌کند. (۳) برگ‌های بعضی‌شان کم است؛ بنابراین به آب زیادی احتیاج ندارند. (۴) زندگی برخی‌شان به‌واسطه چشمه‌ها و چاه‌هاست.

۵۱۸. **گزینه ۴** **ترمه عبارت سؤال:** «در صحرا می‌توانیم به دست یابیم.» باز هم گزینه نادرست را خواسته.

ترمه گزینه‌ها: (۱) گیاهان سودمندی که زیبایی دارند. (۲) درختان پربرگ به‌کمک چشمه‌ها (۳) محصولات کشاورزی به‌واسطه قنات‌ها یا لوله‌ها (۴) گل‌ها به‌دلیل باران‌هایی که شش یا هشت هفته دوام دارند.

۵۱۹. **گزینه ۴** «تَشَاهَدُ» فعل مضارع مجهول از باب «مفاعلة» است (علی وزن «فاعل»، مصدره «مفاعلة») و صیغه‌اش هم که طبق متن، للغائبه است (دیده می‌شوند). گزینه «۱» که گفته من وزن «تفاعل» این فعل را از باب «تفاعل» حساب کرده!

۵۲۰. **گزینه ۳** **بررسی سایر گزینه‌ها:** (۱) للمخاطب (لغائبه؛ طبق سیاق متن «تظهر» از صیغه مفرد مؤنث غایب است؛ پدیدار می‌شوند.) (۲) فاعله «الأزهار» (فاعله «أنواع»؛ «الأزهار» مجرور بحرف الجر است!) (۴) للمخاطب (لغائبه)، مصدره: إظهار (مصدره: ظهور؛ «إظهار» مصدر باب «إفعال» ثلاثی مزید) است. اگر «تظهر» از باب «إفعال» بود با «ت» شروع می‌شد!

۵۲۱. **گزینه ۳** **بررسی سایر گزینه‌ها:** (۱) فعله: ثمر (فعله: أثمرَ؛ «مثمره» چون با «م» شروع شده اسم فاعل از ثلاثی مزید است و خب از وزنش هم پیداست که از باب «إفعال» ساخته شده.) (۲) النخل (أشجار) (۴) معرفة (علم) ← نكرة **ترمه متن دو:** «در زندگی پدیده‌های شگفتی وجود دارند که ما را فرامی‌خوانند تا به وجود قدرتی آگاه و خردمند اعتراف کنیم که (این قدرت آگاه و خردمند) زندگی را تدبیر می‌کند. به‌عنوان مثال این دو موضوع را بخوانید: دانشمندان بعد از تحقیقاتی که در بزرگ‌ترین شبکه تارهای عنکبوت صورت گرفته است، می‌خواهند دست به تغییراتی در رادارهای کنونی بزنند. در خلال این تحقیقات آشکار شد که عنکبوت منتظر نمی‌ماند که حشرات به‌سویش بیایند؛ بلکه این تارها را به‌عنوان راداری برای آن حشرات به‌کار می‌گیرد تا ستمش پرواز کنند و در همان جاهایی که رادار عنکبوت مشخص می‌نماید، به حرکت درآیند. موضوع دوم، این آیه کریمه است: «نه خورشید را سزد که ماه را درآید و نه شب که جای روز را بگیرد. هرکدامشان در مداری شناور و در گردش‌اند.» که به حقیقتی علمی اشاره می‌نماید و آن هم این است که زمین و ماه به خورشید برخورد نمی‌کنند. تمام این ستارگان و سیاره‌های مختلف، با نظم و ضمن محاسبات بسیار دقیقی به حرکت درمی‌آیند.»